

بازمهندسی فرآیند رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی (با نگاهی به رویکرد اخلاق حرفه ای)

حسین صالحی^۱

سید یوسف احدی سرکانی^۲

محمدجواد شیخ^۳

چکیده

هدف این مطالعه بازنگری کارکرد کارشناسان رسمی دادگستری به منظور اصلاح نظریه های کارشناسی در رشته حسابداری و حسابرسی از طریق شناسایی و تحلیل علل و عوامل موثر بر کاهش کیفیت و اثر بخشی رسیدگی های حرفه ای متمرکز است. پژوهش از حیث فلسفه معرفت شناسی، توصیفی، از نظر جهت گیری، بنیادی و از نگاه استراتژی مبتنی بر نظریه داده بنیاد بوده و رویکردی استقرایی و هدفی اکتشافی را پی گیری می نماید. داده ها با استفاده از روش آمیخته در دو بخش کیفی و کمی به ترتیب مصاحبه نیمه ساختار یافته، همراه با نمونه گیری هدفمند و پرسشنامه محقق ساخته، همراه با نمونه گیری خوشه ای تصادفی ساده، در مقطع زمانی سال ۱۴۰۲ گردآوری، تحلیل و تفسیر شده اند. یافته های حاصل از بخش کیفی پژوهش ضمن اولویت بندی عوامل بر پایان دادن به پیامدهای نامطلوب ناشی از وجود ضعف در کارکرد رسیدگیهای کارشناسان با دو منشاء قضائی و کارشناسی و همچنین تقویت آثار اجتماعی، قضائی و تخصصی کارکرد حسابداران در نظام قضایی از طریق کنترل و مدیریت برخی عوامل مداخله گر موثر بر این پدیده تاکید می نماید. نتایج بخش کمی پژوهش نیز به استثناء اثر برخی عوامل مداخله گر بر راهبردها، در سایر موارد نتایج بخش کیفی پژوهش را مورد تأیید قرار داده اند.

واژگان کلیدی

بازمهندسی فرآیند رسیدگی ها، کارشناسان رسمی دادگستری، کیفیت، اثر بخشی.

۱. دانش گروه حسابداری واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: hosseysalehi13@gmail.com

۲. گروه حسابداری واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: SY.ahadiserkani@iau.ac.ir

۳. گروه حسابداری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: m.sheikh@khu.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۰/۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۱

طرح مسأله

گرچه به نظر می‌رسد شناسایی انواع و علل هر نوع از اختلافات بر حسب نوع و ماهیت (خیانت در امانت، تحصیل مال از طریق نامشروع، فروش مال غیر، کلاهبرداری، ورشکستگی، مطالبه وجه، اجاره‌بها، تسهیلات بانکی، مطالبه وجه چک، ربا)، می‌تواند به تشخیص روش حل هر یک از اختلافات در حوزه حسابداری و حسابرسی در کوتاه‌ترین زمان ممکن کمک نماید، لیکن شناخت عوامل اساسی موثر بر کارایی و اثربخشی رسیدگی‌های انجام شده توسط کارشناسان و هیأت‌های کارشناسی، صرف نظر از ماهیت اختلافات و نوع و محتوای پرونده و شناسایی موانعی که از کارایی و اثربخشی بررسی‌های انجام شده را مختل می‌نماید از اهمیت خاصی برخوردار است. از دیگر سوی کثرت، تنوع و منحصر به فرد بودن محتوای هر یک از پرونده‌های ارجاع شده به کارشناسان حسابداری و حسابرسی باعث شده است تا نتوان به چارچوبی مشخص که به تجزیه و تحلیل عوامل مختلف دخیل در کاهش کیفیت و اثر بخشی رسیدگی‌های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی بپردازد دست یافت. لیکن حرکت به سمت نظام مند کردن رسیدگی‌ها از طریق شناخت علل و آثار و پیامدهای ناشی از آن مقرون به صرفه‌ترین و مفیدترین مسیر جهت انجام رسیدگی‌ها و حل اختلافات در حوزه حسابداری و حسابرسی محسوب می‌شود. مطالعات پیشین نشان داده‌اند که میانگین زمان صرف شده برای حل و فصل اختلافات، موضوع بسیاری از پرونده‌های قضایی در آسیا، خاورمیانه و بریتانیا، همواره افزایش یافته است. این مدت زمان در طی سالهای متوالی پس از سال ۲۰۱۲ با توجه به گستردگی و تنوع فعالیتهای تجاری و پیچیده تر شدن مبادلات و محتوای پرونده‌های قضایی روندی فزاینده را طی نموده است. در ایران نیز، در دو دهه گذشته اختلافات مالی ناشی از عملیات حسابداری و مرتبط با موضوعات حسابرسی مورد ارجاع به مراجع قضایی شاهد روند افزایشی بوده است. این اختلافات بطور عمده نیازمند صرف زمان و منابع مالی در سطح خرد و کلان اقتصاد کشور شده است. بدین لحاظ موضوع حل اختلافات مالی حجم گسترده‌ای از موضوعات ارجاعی به مراجع قضایی را در دو بخش حقوقی و کیفری به خود اختصاص داده و همچنین ضرورت گسترش دامنه مطالعات در این حوزه را ایجاد نموده است. در حوزه مالی و حسابداری، حسابداران و کارشناسان رسمی دادگستری می‌توانند جنبه‌های تخصصی وقایع مورد بررسی را در دادگاه روشن کنند تا دادگاه اطلاعات مورد نیاز را طبق ضوابط و مقررات صادر کند. با ارتقاء کیفیت خدمات حسابداران و کارشناسان دادگستری و در نتیجه تبیین بهتر موضوع مورد اختلاف به دادگاه، درک دادگاه از ماهیت این موضوعات تخصصی افزایش یافته و حکم دادگاه متناسب با واقعیت موضوع و سوابق حسابداری متقربانه نه تنها

صاحبان و سرمایه گذاران شرکت، بلکه کارکنان، مؤسسات اعتباری، دولت و حسابرسان شرکت را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. لیکن در شرایط فعلی، قضات بر اساس علم و شناخت قاضی و همچنین اعتمادی که به کارشناسان دارند، پرونده ها را به آنها ارجاع داده و توازن لازم در توزیع پرونده ها در بین کارشناسان این حوزه را برقرار نمی نمایند. این امر موجبات کاهش شفافیت و کیفیت گزارشگری در نظریه کارشناسان را به همراه خواهد داشت. از طرفی به دلیل عدم بروزرسانی حق الزحمه کارشناسی، عدم امکان دسترسی صددرصدی به تمامی منابع اطلاعاتی و عدم حمایت از کارشناسان، نظریه ها با محافظه کاری بالایی نوشته می شوند. به عبارت دیگر کارشناسان به دلیل آنکه در بسیاری از موارد می بایست تشخیص چند میلیاردی را به واسطه حق الزحمه چند میلیونی ارائه نمایند، به موجب ترس از پیگرد قانونی ناشی از خطای گزارشگری از اختفاء مدارک ایجاد شده، تلاش می نماید از محدوده خطر دوری نموده و خود را به خطر نزدیک ننماید. لذا اکثر پژوهشها تلاش دارند درک حسابرسان را از دعاوی حقوقی افزایش دهند تا به آنها اجازه دهد تا ادعاهای حقوقی را به شیوه‌ای غیر محتاطانه مدیریت کنند. (دی میست و همکاران، ۲۰۲۱)^۱

ضرورت و اهمیت پژوهش

گذشته از زیان‌های مادی ناشی از ضعف در رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری تا اندازه زیادی اعتماد را از جامعه حرفه‌ای و تجاری حسابداری سلب کرده و از سوی دیگر، نبود مسئولیت‌پذیری کافی از سوی حسابداران و حسابرسان در قبال اختلافات قضایی، شکاف انتظارات بین استفاده‌کنندگان و عملکرد حسابداران و حسابرسان را ژرف‌تر نموده است. در سایر کشورها این نقش را حسابداری قانونی ایفاء می نماید. در نتیجه، ضرورت کاهش منازعات قضایی و همچنین، الزامات جهانی شدن و استانداردسازی این حوزه از فعالیتهای حسابداران و حسابرسان ایجاب می نماید که این نقش، در ایران نیز ارتقاء یابد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۴). طولانی شدن فرآیند رسیدگی و دادرسی بر فشارکاری مأموران رسیدگی و مراجع دادرسی افزوده و به ناهنجاری، نارضایتی و بی‌اعتمادی منجر می شود. طولانی شدن زمان رسیدگی و تأخیر در صدور آراء قطعی لازم الاجراء، احقاق حق را به تأخیر انداخته، آرای صادره را با مشکلات حقوقی و اجرایی رو به رو می سازد و زمینه را برای بی عدالتی فراهم می‌آورد (توحیدی و قادری، ۱۳۹۳).. مسئله قانونی این مطالعه بر این نکته متمرکز است که پراکندگی محتوایی پرونده های کارشناسی با موضوع حسابداری و حسابرسی و شکاف موجود بین نظر کارشناسان در هیات های کارشناسان گوناگون از یک سو و زمان بر بودن رسیدگی ها، گسترش پرونده های ارجاعی با

موضوع حسابداری و حسابرسی به دادگاه‌ها و دادرها هم زمان با پیچیده شدن روابط تجاری، تقاضای رو به افزایش برای خدمات کارشناسی در زمینه حسابداری و حسابرسی از سوی دیگر، که برخاسته از مشاهدات با رویکرد استقرائی می‌باشند همگی نیازمند روشمند نمودن فرایندها در مراحل گوناگون رسیدگیها می‌باشد. این مهم چگونه از طریق شناخت، تحلیل و ارزیابی بازرنگری رسیدگی‌های کارشناسی با اتکاء به علل و ریشه‌ها میسر است؟ این پژوهش بر ضرورت پرداختن به نگرانی‌های ذکر شده تمرکز دارد و اقدامات مؤثر به منظور بهبود عملکرد حرفه‌ای حسابداران در آینده را ضروری می‌داند. هدف عمده این مطالعه دستیابی به رویکردی است که منجر به یافتن راه حل بهتری برای شناخت، تحلیل و ارزیابی علل افت کیفیت و اثر بخشی رسیدگیها به منظور تسریع و تسهیل در ارائه نظریه‌های کارشناسی و تخصصی است تا بدینوسیله بتوان به روشهایی نوین در جهت ارتقاء عملکرد بررسی‌های تخصصی در حرفه حسابداری و حسابرسی در این زمینه دست یافت. نتایج حاصل از این مطالعه شناسایی عوامل مختلف مؤثر بر کیفیت و اثربخشی رسیدگیها، به منظور رفع موانع موجود و جلوگیری از اتلاف منابع مالی و انسانی را میسر و دستیابی به چارچوبی معین جهت تجزیه و تحلیل این عوامل را امکان پذیر و شفافیت در روند حسابداری و حسابرسی دادگاهی را در پی خواهد داشت. ترغیب کارشناسان به استفاده از روش‌های مناسب در رسیدگیها از طریق شناخت، تحلیل و ارزیابی عناصر مهم و دخیل در رسیدگی‌های قضایی، کاهش هزینه‌ها و صرفه جویی در زمان رسیدگیها و به ویژه حفظ امنیت در روابط تجاری را به دنبال خواهد داشت. امید است یافته‌های این پژوهش بتواند از طریق شناخت، تحلیل و ارزیابی رسیدگی‌های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی و بکارگیری آنها در جهت افزایش اطمینان بخشی به نتایج کار کارشناسان، بتواند نقش بسزائی در ارتقاء و تعالی دانش حرفه‌ای و تدوین مبانی اولیه استاندارد سازی روش‌ها و الگوهای رسیدگی ایفاء نموده، و در راستای مواجهه با تغییرات مهمی که در این عرصه درجهان کنونی در شرف تکوین است گام بردارد. ژرف نگری و تعمیق در ریشه‌ها و علل فقدان کیفیت و اثر بخشی در رسیدگی‌های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی همراه با شناخت علل و پیامدهای آن، جنبه‌های نوآورانه مطالعه را تشکیل می‌دهد.

گزارش‌های کارشناسی که با عناصر خاصی از اختلافات سروکار دارند، بخش مهمی از دعوی طرفین در پرونده‌های قضایی را تشکیل می‌دهند و این گزارش‌ها بر اساس رویه رایج در دادگاه‌ها و دادرهای کشور برای کمک به قاضی در تصمیم‌گیری وی مورد استفاده قرار می‌گیرند. رتبه بندی موضوعات ارجاعی به مراجع قضایی، تلخیص علل اختلافات، عوامل مؤثر بر پیچیدگی و زمان بر بودن رسیدگی‌های کارشناسی، عوامل مؤثر بر تسریع و اثربخشی

هم‌زمان رسیدگی های کارشناسی، تاثیر سایر عوامل بر رسیدگی ها و نتایج حاصل از آن‌ها، از جمله ضروری ترین موضوعاتی هستند که پیامدهای اجتماعی ناشی از کارکرد کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی و به منظور بازمهندسی فرآیند رسیدگی ها و در جهت پاسخگویی به سوالات و دستیابی به اهداف پژوهش کمک می نمایند.

در این پژوهش دشواریهای مربوط به رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی مورد تاکید قرار گرفته و توصیه‌هایی در جهت اقدامات مؤثر به منظور بهبود روند آتی حرفه ارائه می نماید. هدف عمده این مطالعه دستیابی به رویکردیست که منجر به یافتن راه حل بهتری برای شناخت، تحلیل و ارزیابی انواع و علل وجود ضعف در کیفیت و اثربخشی بررسیهای حرفه ای به منظور تسریع و تسهیل رسیدگی های کارشناسی و تخصصی است تا بدینوسیله بتوان به روشهایی نوین در جهت رفع دشواریهای مربوط به حرفه حسابداری و حسابرسی نائل آمد. شناسایی عوامل موفقیت مؤثر بر ارتقاء کیفیت و اثربخشی رسیدگیها و رفع موانع موجود نقش مهمی در جلوگیری از اتلاف منابع ایفا می نماید. دغدغه این پژوهش شناخت، تحلیل و ارزیابی عناصر مهم و دخیل در رسیدگی های کارشناسی مرتبط با حرفه حسابداری و حسابرسی و ارائه توصیه‌هایی است که بهبود رسیدگیها و تسریع در رفع اختلافات مالی مشارکت کنندگان و متعاملین در مبادلات تجاری را به همراه دارد. نتایج این پژوهش در جهت دستیابی به چارچوبی که به تجزیه و تحلیل عوامل مختلف دخیل در منازعات مالی منجر شده و شفافیت در روند حل و فصل اختلافات را تقویت نماید کمک خواهد کرد. ترغیب کارشناسان به استفاده از روش های مناسب حل اختلاف از طریق شناخت، تحلیل و ارزیابی عناصر مهم و دخیل در رسیدگی های قضایی، کاهش هزینه ها و صرفه جویی در زمان رسیدگیها و به ویژه حفظ امنیت روابط تجاری را در پی خواهد داشت و این همه در گرو افزایش سطح کیفیت و اثربخشی رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی از طریق شناخت، تحلیل و ارزیابی صحیح علل و پیامدهای مربوطه به منظور بازمهندسی فرآیند بررسی ها می باشد. این مطالعه می تواند نقش بسزائی در ارتقاء و تعالی دانش کارشناسی رسمی دادگستری در امور حسابداری، حسابرسی ایفا نموده، و در راستای دگرگونی های شگرفی که در عرصه کارشناسی حسابداری و حسابرسی دادگاهی در جهان به وجود آمده است گام بردارد.

مبانی نظری

امروزه با پیشرفت جوامع بشری وقوع جرایم نیز پیشرفته شده است به نحوی که گونه ها و شیوه های ارتکاب جرم نیز متفاوت و پیچیده شده است. به همین دلیل شاهد تشکیل دادگاه های تخصصی و گسترش زمینه های قضایی و توسعه فعالیت‌های داوری و میانجی گری

می‌باشیم. در چنین شرایطی لزوم استمداد از نظر کارشناسان در راستای نیل به حقیقت و اجرای عدالت امری ضروری به نظر می‌رسد. زیرا آثار اجتماعی و اخلاقی ناشی از گسترش جرم‌های اقتصادی اهمیت توجه به جنبه‌های تخصصی به ویژه در حوزه‌های مالی و حسابداری که بخش عمده‌ای از پرونده‌های قضایی را تشکیل می‌دهند را دو چندان می‌نماید. به همین دلیل نظر کارشناسی یکی از دلایل اثبات دعوا به شمار رفته و بخشی از احقاق حقوق افراد جامعه را به عهده دارند. هر چند کارشناسان و نظریه‌آنان جزء مشاغل قضایی محسوب نمی‌شود لکن جزء لاینفک نظام‌های حقوقی بوده و رابطه بسیار نزدیکی با سیستم قضایی در راستای اجرای عدالت دارد. نقش حسابداری در مطالعات قضائی به دانش که با گردآوری و ارائه اطلاعات مالی به شکل قابل استفاده در دادگاهها در جهت پذیرش یا رد اتهامات مالی مربوط می‌شود. تمرکز اصلی حسابداری در امور قضائی بر تجزیه و تحلیل پدیده‌ها شامل تبیین روابط علت و معلولی و کشف ترفندها و آثار اجتماعی آن معطوف است. طبق این تعریف، می‌توان ادعا کرد که حسابداران بر اعداد و ارقام اتکاء می‌نمایند، در حالی که حسابداران فعال در حوزه قضائی به عمق وقایع نهفته در پس اعداد و ارقام می‌اندیشند. چنین شاخه‌ای از علم حسابداری ترکیبی از رشته‌های حسابداری، حسابرسی، امور مالیاتی، امور مالی، حقوق، ارزش‌گذاری، عملیات تجاری، فنون کمی، پژوهش، روان‌شناسی و رشته‌های مربوط به بازرسی را دربر می‌گیرد. این بخش از مطالعات حسابداری به دو حوزه تخصصی پشتیبانی از دادخواهی و رسیدگی به تقلب تقسیم‌بندی می‌شوند. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته پیشین نشان می‌دهد که نمی‌توان به حسابرسی مالی به عنوان ابزاری جهت کشف تقلب در هر شرایطی اتکا کرد. انجمن بازرسان رسمی تقلب، پژوهشی را تحت عنوان گزارش ملل ارائه کرده که در آن، آماردانان بیان داشته‌اند در حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد از تقلب‌های صورت گرفته، به وسیله حسابرسان کشف نشده‌اند (انجمن آزمون تقلب تأیید شده، ۲۰۰۲).^۱ این موضوع، اهمیت و ضرورت وجود تخصصی از حسابداری برای بررسی و کشف تقلبات تحت عنوان حسابداری قانونی را ثابت می‌کند. توجه به اهمیت موضوع در کنار افزایش دعاوی حقوقی به جهت پیچیده‌تر شدن معاملات و تجارتها و هزینه‌هایی که تقلبات سالانه به شرکت‌ها وارد میکنند، عدم وجود تفاوت بین روش‌های حسابرسی مالی و حسابرسی جهت کشف تقلبات و عدم استفاده از فن‌آوریهای نوین در کشف تقلبات، از دیگر مواردی است که اهمیت مضاعف این حوزه را نشان می‌دهد. حسابداران قانونی باید دارای ترکیبی از مهارت و دانش در حسابداری، حسابرسی، حقوق، و فن‌های پژوهش و تفحص باشند. این مهارت‌ها باید توسط ارزش‌های قوی اخلاقی و مهارت‌های نرم‌افزاری همراه

1. ACFE-Association of Certified Fraud Examination

باشد. آموزش عملی در حسابداری قانونی، موضوع بسیار مهمی است، به همین خاطر، توصیه می شود برای تبدیل یک حسابدار به یک متخصص کشف تقلب و حسابداری قانونی، باید در میدان عمل آموزش ببیند. کسب تجربه کار بر روی موارد تقلب پیچیده در طی چندین سال، دانش ارزشمندی به او منتقل خواهد کرد. اگرچه گرایش اصلی حسابداری قانونی درگیر با جنبه های مالی می باشد، اما این مساله افزون بر تجربه، نیازمند مواردی مانند مهارت های پرسشی، دانش قانونی و قواعد و شیوه های جمع آوری شواهد، مهارت های پژوهشی، مهارت های میان فردی و کار گروهی است. افزون بر موارد ذکر شده، مهارت های تحلیلی، مهارت های ارتباطی، مهارت های فنآوری، دانش در حسابداری و صلاحیت حرفه ای، اطلاع از قوانین کسب و کار و تجارت، اطلاع از قوانین و حقوق شهروندی و اطلاع از آیین نامه های رفتاری نیز مورد نیاز است. آنان باید دانش گسترده ای در بعضی زمینه ها داشته باشند و در کنار دارا بودن مهارت های شخصیتی، باید دارای دانش گسترده حسابداری، فنون بررسی و آزمون، حقوق، حسابرسی، مدیریت کسب و کار، روانشناسی، جرم شناسی، رایانه و اینترنت و آمار نیز باشند (مشایخی و آژنگ، ۱۳۹۲). تأخیر ناشی از اقدامات ذینفعان ممکن است باعث اختلافات و درگیری های بزرگ بین طرف های مختلف در پروژه ها شود (عصاف و الحجی، ۲۰۰۵). اختلافات، اگر در مراحل اولیه حل نشوند، ممکن است مانعی برای تکمیل موثر پروژه شوند. طبق گفته فن (۲۰۰۷)، منابع ارزشمند زیادی به دلیل وقوع مکرر اختلافات در طول پروژه از بین می رود. این مشکلات علاوه بر افزایش مدت زمان پروژه، همچنین به افزایش هزینه های کلی و اختلال در روابط سالم بین ذینفعان منجر می شوند. در قراردادهای میانگین زمان صرف شده برای حل و فصل اختلافات در آسیا، خاورمیانه و بریتانیا افزایش یافته است. بر اساس داده های سال ۲۰۱۲، حل و فصل اختلافات در خاورمیانه طولانی ترین زمان را می طلبد، یعنی حدود ۱۴ ماه، در حالی که در آسیا حدود ۱۴ ماه تخمین زده شده، در مقایسه با آن، حل و فصل اختلافات در ایالات متحده (۱۱ ماه) و اروپا زمان بالنسبه کمتری را می طلبد.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش های خارجی

جانادیا و همکاران (۲۰۰۰) انواع مختلفی از علل اختلافات رایج را بررسی کرد. او نتیجه گرفت که اختلافات از دهه ۱۹۸۰ به طور فزاینده ای رایج شده است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۶، ۴۵ درصد از پرونده های دعاوی در دادگاه های شرعی و هیئت رسیدگی به شکایات مربوط به اختلافات یا پروژه های ساختمانی بود (الریبحة، ۲۰۰۶). بررسی پرونده های رسیدگی شده توسط وزارت دادگستری عربستان در سال ۲۰۱۴ نشان دهنده روند مشابه با افزایش

تعدادمسائل مربوط به بخش ساخت و ساز است. بر اساس داده های وزارت دادگستری عربستان سعودی اختلاف مربوط به پروژه های ساختمانی مطرح شده است، در حالی که در سال ۲۰۱۳ این تعداد ۱۰۷۴ مورد بوده است. این داده ها مربوط به موضوعات اصلی اختلاف در پنج شهر اصلی ریاض، جده، مکه، مدینه و دمام است. میست و همکاران (۲۰۲۰) تحقیقی با عنوان "عوامل مؤثر بر نتایج حقوقی دعاوی علیه حسابرسان" انجام دادند. در این تحقیق، بر اساس مصاحبه با ۲۷ وکیل دادگستری برجسته حسابرسی در مورد عوامل مؤثر بر طرح دعاوی حقوقی علیه حسابرسان و چگونگی تأثیر این عوامل بر نتایج تسویه حساب دریافتند که تمایل به پیگیری دعاوی حقوقی علیه حسابرسان، از جمله ماهیت ادعا، میزان خسارت اقتصادی ادعایی، توانایی حسابرسان برای پرداخت، و هزینه مورد انتظار برای پیگیری ادعا. ما همچنین دلایل حل و فصل اکثر اختلافات حسابرسی (برخلاف حل و فصل آزمایشی) و عوامل مؤثر بر نتایج حل و فصل را مورد بحث قرار می دهیم. امیدواریم بینش های ارائه شده، درک حسابرسان را از دعاوی حقوقی و فرآیند تسویه حساب افزایش دهد تا به آنها اجازه دهد تا ادعاها را به شیوه ای کمتر ترسناک و در نهایت استراتژیک تر مدیریت کنند. فاریس (۱۹۹۵) تحقیقی با عنوان "تحلیلی از نظریه و اصول جایگزین حل اختلاف" انجام داد. سیستم حل اختلاف جایگزین، که معمولاً به عنوان ADR شناخته می شود، شامل چندین فرآیند غیررسمی است. فرآیندهای سنتی مذاکره، میانجیگری و داوری فرآیندهای اولیه در سیستم ADR هستند. عناصر فرآیندهای اولیه با یکدیگر یا با عناصر فرآیند عمومی ترکیب شده اند تا شکل بگیرند ADR. ترکیبی فقط برای سیستم ADR اصلی است. این فرآیندهای ترکیبی عبارتند از: گرفتن کارشناس، دادرسی کوچک، محاکمه خلاصه هیئت منصفه، ارزیابی بی طرف و میانجیگری / داوری. تحت نظارت ADR، فرآیندهای مشتقه نیز توسعه یافته است، مانند داوری سریع، داوری اسناد، داوری پیشنهاد نهایی و داوری کیفیت. هر فرآیند متمایز و مجزا است و شکل، عملکرد و روش منحصر به فرد خود را برای تغییر یک اختلاف دارد. از نظر ظاهری، این مجموعه متنوعی از فرآیندهای متمایز را نشان می دهد. با این حال، یک تحلیل درونگر نشان می دهد که یک مرکزیت ذاتی وجود دارد که ریشه در اصول اصلی دارد که فرآیندهای فردی را به یکدیگر و به بدنه یکپارچه نظریه پیوند می دهد. این اصول اساسی ADR در هر یک از فرآیندهای آن تکرار می شود. در این شرایط، ADR به عنوان یک سیستم کثرت گرای حل و فصل اختلاف تصور می شود که متشکل از سیستم های فرآیندی مستقل و فردی است که مطابق با یک بدنه مرکزی از نظریه عمومی و اصول اجماعی. به عنوان روشی برای استخراج اصول اساسی ADR، ناپیوستگی ها و تداومات بین نظریه و اصول آیین دادرسی مدنی، به عنوان یک نظام واحد رویه، و فرآیندهای ADR مورد بررسی قرار می گیرد. با این حال، در نتیجه گیری های خود، این تز مقدمات یک سیستم رویه واحد را به عنوان پایه ای

برای نظریه و اصول ADR رد می کند. در عوض، برعکس این تصور مطرح شده است که ADR یک سیستم مستقل حل اختلاف است که مبتنی بر نظریه کثرت گرایی فرآیندی است و توسط اصول فرآیندی متقن پشتیبانی می شود. ژوزف مانتی (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان "حل و فصل اختلافات ساخت و ساز ناشی از پروژه های عمده زیرساختی در کشورهای در حال توسعه - مطالعه موردی غنا" انجام داده است. این مطالعه یک بررسی انتقادی از تجربیات کشورهای در حال توسعه از حل و فصل اختلافات ساخت و ساز مرتبط با زیرساخت با استفاده از غنا به عنوان مطالعه موردی انجام داد. دلیل اصلی این مطالعه، نیاز به فرآیندهای حل اختلاف موثر و کارآمد در زمینه پروژه های زیربنایی در کشورهای در حال توسعه بود. این مطالعه یک رویکرد تحقیق کیفی مبتنی بر پارادایم فلسفی تفسیرگرا را اتخاذ کرد. داده ها از پنجاه و شش مصاحبه شونده از دولت به عنوان کارفرما و پیمانکاران خارجی از طریق مصاحبه ها و اسناد نیمه ساختاریافته جمع آوری شد و با استفاده از روش های تجزیه و تحلیل داده های کیفی مرتبط با تحقیقات تئوری زمینه ای مانند کدگذاری، مقایسه ثابت، یادداشت برداری و نمودارسازی، و حقوقی دکترینال تحلیل شد. تحلیل و بررسی. مشخص شد که تصمیم مهندس، مذاکره و داوری بین المللی بیشترین استفاده از مکانیسم های حل اختلاف هستند. برای مقابله با چالش ها و دستیابی به فرآیندهای حل اختلاف کارآمد و مؤثر، چهار مجموعه از استراتژی های اصلاحی در مدلی به نام چرخه کارایی حل اختلاف پیشنهاد شد. سلیمان (۲۰۱۱) تحقیقی با عنوان "کیفیت حسابرسی در عمل: مطالعه ادراک حسابرسان، اعضای کمیته حسابرسی و بازرسان کیفیت" انجام داده است. هدف این پایان نامه ارائه بینشی در مورد مفهوم کیفیت حسابرسی برای تعدادی از طرفین است که مسئولیت ارائه، راه اندازی یا ارزیابی کیفیت حسابرسی را در عمل دارند - حسابرسان، اعضای AC و بازرسان کیفیت در مورد. این مقاله تأثیر عوامل داخلی و خارجی در محیط حسابرسی را بر ساخت معنای کیفیت حسابرسی و چگونگی نمادسازی معنا در عمل بررسی می کند. این پژوهش مبتنی بر رویکرد تفسیری با استفاده از روش تحقیق تحلیل اسناد، مصاحبه نیمه ساختاریافته و پرسشنامه پیمایشی است. این تحقیق با تکیه بر یک چارچوب کنش متقابل نمادین، فرآیند معنا بخشیدن به کیفیت حسابرسی را در عمل نشان می دهد. این مطالعه ساختارهای مختلفی را شناسایی می کند که در عمل به کیفیت حسابرسی معنا می دهند - ویژگی های حسابرسان، ویژگی های شرکت، تعهدات انطباق، محتوا و کنترل روش های حسابرسی، کیفیت صورت های مالی و جهت گیری خدمات مشتری. همچنین اعمالی مانند پرسیدن سوالات چالش برانگیز، ظاهر حرفه ای، کیفیت تعامل بین حسابرس و AC، مشاوره و آموزش، و مواردی مانند اسناد و سوابق را به عنوان اساسی در نمادسازی کیفیت حسابرسی در عمل شناسایی می کند. این مطالعه همچنین وجود تضادهای احتمالی بین برخی از این ساختارهای کیفیت حسابرسی و احتمال بروز مشکلات

در کیفیت حسابرسی در عمل را برجسته می‌کند. این تحقیق گزارش می‌دهد که مجریان حسابرسی عمدتاً مفاهیم خود را از معنای کیفیت حسابرسی حول چهار ساختار مهم تنظیم می‌کنند: خدمات مشتری، تعهدات انطباق، فرآیند یا محتوای حسابرسی فنی، و ویژگی‌های حسابرسان فردی. مشخص شده است که خدمات مشتری اهمیت ویژه‌ای برای معنای حرفه‌ای از کیفیت حسابرسی دارد. ساخت آنها از معنای کیفیت حسابرسی تحت تأثیر تعاملات با سایر اجزای بازار حسابرسی و همچنین نیروهای اقتصادی و اجتماعی در محیط حسابرسی است. درک حسابرسان از معنای کیفیت در عمل با عواملی مانند نیاز به مشروعیت بخشیدن به رفتار حسابرس، بازگرداندن اعتماد و اطمینان عمومی به عموم در مورد کیفیت خدمات حسابرسی، برای حفظ سودآوری و بقای حسابرسی تقویت می‌شود. شرکت با توجه به فشارهای رقابتی و تجاری در بازار حسابرسی و مشروعیت بخشیدن به روش شناسی شرکت و فرآیند حسابرسی ناشی از آن برای مؤلفه‌های خارجی. در میان اعضای AC مصاحبه‌شده، به نظر می‌رسد که معنای کیفیت حسابرسی با ویژگی‌های حسابرسان فردی، به ویژه مهارت‌های بین فردی و رفتاری حسابرسان، و ویژگی‌های مؤسسه حسابرسی (اندازه و تخصص صنعت) و کیفیت صورت‌های مالی مرتبط باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ادراک اعضای AC از کیفیت حسابرسی به طور قابل توجهی به ویژگی‌های «رابطه‌ای» به جای ویژگی‌های فنی حسابرسان فردی بستگی دارد. کیفیت صورت‌های مالی نیز بر ادراک اعضای AC از کیفیت حسابرسی تسلط دارد تا تفسیر فنی از کیفیت محتوای فرآیند حسابرسی. تصور اعضای AC از معنای کیفیت حسابرسی تحت تأثیر تعامل و ارتباط با حسابرسان خارجی است. برای بازرسان کیفیت، معنای کیفیت حسابرسی عمدتاً در رابطه با رفتار یا محتوای حسابرسی ساخته می‌شود. بنابراین، سطح چالش برای مدیریت حسابرسی و کافی بودن شواهد و مستندات برای ساختن درک آنها از کیفیت حسابرسی مهم است. آنها همچنین اهمیت قابل توجهی را برای کنترل کیفیت انطباق داخلی اعمال شده در مؤسسه حسابرسی، مفهوم کیفیت حسابرسی قائل هستند. به طور کلی، این مطالعه معنای چندوجهی کیفیت حسابرسی و چگونگی تأثیر و شکل‌گیری آن توسط تعاملات را توصیف می‌کند - بر اساس انتظارات نقش، تصور از خود، عوامل اقتصادی و اجتماعی - و روشی را نشان می‌دهد که در آن از اعمال و اشیاء مختلف برای نمایش عملی استفاده می‌شود. معنی مفهوم انتزاعی کیفیت حسابرسی در عمل. این یافته‌ها برای حسابرسان، سایر طرف‌های حسابرسی، سیاست‌گذاران و تنظیم‌کننده‌های مرتبط با سهم حسابرسی در سیستم گزارش‌دهی مالی و برای محققان دانشگاهی که به دنبال ایجاد درک عمیق‌تری از نحوه دستیابی به این مشارکت در عمل هستند، مرتبط است. دی لویت (۲۰۱۶) تحقیقی با عنوان "نقش حسابداری قانونی در میانجیگری" انجام داده‌است. میانجیگری استفاده از یک شخص ثالث مستقل است که طرفین را

برای دستیابی به حل و فصل سود متقابل مسائل مورد اختلاف تسهیل می کند. میانجی هیچ نقشی در تصمیم گیری در مورد نتیجه مسائل مورد اختلاف ندارد، با این حال یک میانجی ماهر و با تجربه روندی را تسهیل می کند که در آن طرفین اختلاف می توانند به یک راه حل توافقی برسند. در سال ۲۰۱۳، مرکز حل و فصل مؤثر اختلافات در ایرلند با همکاری انجمن میانجیگری تجاری ایرلند (<http://www.icma.ie>) نتایج یک نظرسنجی را با عنوان «میزی میانجیگری CEDR ایرلند / ICMA» منتشر کرد که به نگرش های ایرلند پرداخت. یکی از یافته های کلیدی این نظرسنجی این بود که از میان پاسخ های دریافتی، میانگین نرخ تسویه حساب میان گران در سال ۲۰۱۲، ۶۶ درصد بود. این نشان می دهد که در اکثر موارد، میانجیگری یک تریبون بسیار مناسب برای حل و فصل اختلافات است.

پیشینه پژوهش های داخلی

رحمانی و همکاران (۱۳۹۷) تحقیقی با عنوان "بررسی لزوم توجه بیشتر به حسابداری قضائی" انجام دادند. هدف این پژوهش، بررسی اهمیت حسابداری قانونی در وضعیت فعلی کشور، است. این مطالعه از نوع پیمایشی-کاربردی بوده و بررسی موضوع به وسیله پرسشنامه و نمونه گیری تصادفی ساده، از ۵۰ نفر از استادان حسابداری کشور صورت گرفت. برای تحلیل یافته ها، پس از بررسی نرمال بودن داده ها در نرم افزار SPSS نسخه ۲۲، در قالب ۳ فرضیه از آزمون پارامتریک T تک نمونه ای استفاده شد. یافته های حاصل نشان میدهد که ضروری است توجه بیشتری به حسابداری قانونی صورت گرفته و حسابداری قانونی، تحت عنوان یک سرفصل مستقل به ساختار دروس حسابداری اضافه شود. مصطفی دری سده (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان "راهکارهای کاهش فساد در اقتصاد دولتی، با تاکید بر تجارب موفق سایر کشورها" انجام داده است. طبق داده های حاصل از پیمایش های استاندارد، بیش از نیمی از ساکنان زمین در کشورهای زندگی می کنند، که در آن فساد نسبتاً رایج است. متأسفانه کشور ما ایران نیز از این پدیده شوم اقتصادی مصون نبوده و نیست. در مقاله حاضر، با مرور تجارب موفق دیگر کشورها در مبارزه با فساد و کاهش آن (به ویژه در بخش های دولتی) به ارایه راهکارهایی برای کاهش فساد در اقتصاد دولتی ایران پرداخته می شود. شواهد توصیفی نشان می دهد، درآمد سرانه کشورها، حدود ۶۰ درصد فساد در کشورها را توضیح می دهد. به طوریکه اکثر کشورهایی که از لحاظ فساد وضعیت جالبی ندارند، جز کشورهای فقیر هستند. بر این اساس، به نظر می رسد افزایش رشد اقتصادی و بهبود درآمد سرانه خود به خود فساد را در کشور کاهش دهد. البته تجارب کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای در حال توسعه نشان می دهد که این مطلب به معنای بی اثر بودن قوانین و سیاست های ضد فساد دولتها نیست. دیانتی دیلمی (۱۳۹۷)

تحقیقی با عنوان "راه‌نمای تدوین برنامه درسی برای تعلیم و تربیت حسابداران متخصص در زمینه مباحث قضایی و تقلب" انجام داده‌است. هدف تحقیق حاضر، ارائه یک برنامه درسی آموزشی در زمینه مباحث تقلب و حسابداری دادگاهی (قضایی) برای کمک به مراکز آموزشی و دانشگاهی، سازمان‌های دولتی و خصوصی، کارشناسان، اعضای هیات علمی و دانشجویان آینده نگر است که علاقه مند به گسترش توانایی‌های حرفه‌ای و مهارت‌هایشان در این عرصه نوظهور رو به ترقی از علم حسابداری می‌باشند. در مقاله حاضر، محصل کار انجام شده در دانشگاه ویرجینیای غربی و نیز گزارشی از دانشگاه‌هایی که در رشته حسابداری دادگاهی (قضایی) اقدام به پذیرش دانشجو می‌کنند به عنوان راهنمایی برای تدوین سرفصل‌های برنامه درسی آموزش حسابداران متخصص در زمینه مباحث قضایی و تقلب ارائه می‌شود. این راهنما، می‌تواند مورد استفاده دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و نهادهای حرفه‌ای (تحت عنوان بخشی از برنامه آموزش مستمر) قرار گیرد. شریفی، سیدعلی واعظ، مهدی بصیرت (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان "توسعه پارادایم حسابداری قضایی در نوسان‌پذیری سطح حفاظت از منافع سهامداران در بین شرکتها: تحلیلی مبتنی بر آزمون نظریه ترندایک" انجام دادند. هدف این پژوهش توسعه پارادایم حسابداری قضایی در نوسان‌پذیری سطح حفاظت از منافع سهامداران در بین شرکتها براساس نظریه ترندایک میباشد. در این پژوهش که در بازه زمانی یکساله ۷۹۳۱-۷۹۳۱ صورت پذیرفت، ابزار جمع‌آوری شامل دو بخش پرسشنامه و داده‌های افشا شده در صورتهای مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران بود جهت جمع‌آوری داده‌های توسعه‌ی پارادایم قضایی از پرسشنامه‌ی استاندارد و جهت جمع‌آوری داده‌های حفاظت از منافع سهامداران از روش تحلیل آنتروپی استفاده شد. مجموع نتایج ارزیابی شرکتها از نظر تاثیرگذاری حسابداری قضایی براساس دو معیار شرکت‌های دارای حفاظت از منافع سهامداران بالا و حفاظت از منافع سهامداران پایین به واسطه‌ی انجام آزمونهای روش مانوا چند متغیره، تحلیل واریانس اندازه‌های مکرر و همچنین آزمونهای تعقیبی مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه‌ی آزمون فرضیه پژوهش نشان داد، پارادایم حسابداری قضایی در شرکت‌های دارای حفاظت بالا از منافع سهامداران نسبت به شرکت‌های حفاظت پایین از منافع سهامداران تفاوت معناداری دارد. جوآن روین، دی اسکات مکنا (۱۹۹۵) تحقیقی با عنوان "تحلیلی از نظریه و اصول حل و فصل اختلافات جایگزین" انجام دادند. این پایان‌نامه به بحث معاصر هم در آفریقای جنوبی و هم در سایر حوزه‌های قضایی انگلیس آمریکا در مورد اصلاح رویه‌های دعوی قضایی موجود و تجدید نظر در ارزش‌های اساسی فرآیند قضاوت عمومی پاسخ می‌دهد. این پایان‌نامه به عنوان جست و جوی سیستمی در زمینه مطالعاتی در انبوهی از مقالات مجلات و انبوهی از کتاب‌های درسی اختصاص داده شده به موضوع ADR، آغاز شده و بر این فرض استوار است که ADR یک سیستم مستقل حل اختلاف

است که بر ساختار نظری اصول فرآیندی متقاعدی مبتنی است. سیستم حل اختلاف جایگزین، که معمولاً به عنوان ADR شناخته می شود، شامل چندین فرآیند غیررسمی است. فرآیندهای سنتی مذاکره، میانجیگری و داوری فرآیندهای اولیه در سیستم ADR هستند. به عنوان روشی برای استخراج اصول اساسی ADR، ناپیوستگی ها و تداومات بین نظریه و اصول آیین دادرسی مدنی، به عنوان یک نظام واحد رویه، و فرآیندهای ADR مورد بررسی قرار می گیرد. با این حال، در نتیجه گیری های خود، این تز مقدمات یک سیستم رویه واحد را به عنوان پایه ای برای نظریه و اصول ADR رد می کند. در عوض، برعکس این تصور مطرح شده است که ADR یک سیستم مستقل حل اختلاف است که مبتنی بر نظریه کثرت گرایی فرآیندی است و توسط اصول فرآیندی متقن پشتیبانی می شود. دیورا (۲۰۰۵)، ثابت کرد که شاکیان باید نشان دهند که اظهارات نادرست ادعایی باعث زیان اقتصادی واقعی شده است. با انگیزه تحلیل‌های قانونی که نشان می دهد دورا، شرکتها را تشویق می کند تا اصلاحات منفی را به تعویق بیندازند، فرضیه ای مطرح شد و نتایج نشان داد که شرکت‌های معاملاتی در صنایع با دعاوی حقوقی بالا نسبت به شرکت‌هایی با کنترل همسان، احتمال بیشتری دارد که پس از دیورا، بازنویسی و خطاهای تعهدی کاهش درآمد را به تاخیر بیندازند. در این پایان نامه به دو جریان همپوشانی از تحقیقات کمک می شود. اولین مورد، ادبیات رو به رشد در مورد تأثیر احکام دادگاه بر گزارشگری مالی است. دوم، ادبیاتی است که رابطه بین دعوی قضایی و گزارشگری مالی را بررسی می کند، به ویژه جریان تحقیقات با تکیه بر توضیح دعاوی که توسط واتس (۲۰۰۳) بیان شده است.

بحیرایی (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان "بررسی انواع تکنیک های حسابداری دادگاهی" انجام دادند. حسابداری دادگاهی به عنوان یک حرفه شناخته شده است و به همین دلیل دارای برخی تکنیک هایی است که در تعامل با آن به منظور اطمینان از اینکه خدمات آن در دادگاه قانون قابل قبول است، هستند. این تحقیق تکنیک های موجود در تحقیقات حسابرسی قانونی را مورد بررسی قرار می دهد و توجیهات مشابه را مطالعه کرده و به بررسی کلیه تحقیقات حسابداری قضائی و تکنیک های موجود در آن می پردازد. روش شناسی مورد استفاده برای رسیدن به نتیجه گیری در این مقاله، "تجزیه و تحلیل محتوا" است که بررسی کتابها، مجلات و مقالات مربوط به موضوع بحث است. فهیمی، چنگیز سلمانی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان "رابطه بکارگیری حسابداری دادگاهی و کشف اشتباه، تقلب و فساد مالی" انجام دادند. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط حسابداری دادگاهی در مهار جرم و جنایت و فساد در بخش عمهومی در ایران است. به این منظور با استفاده از روش پرسشنامه بعد از اخذ نمونه آماری و جمع‌آوری داده‌ها، متغیرهای مهورد آزمون محاسبه و در نهایت تجزیه و تحلیل دادهها و آزمون فرضیهها از طریق آزمونهای همبستگی و رگرسیون خطی چندگانه صورت گرفته است. در نهایت، نتایج

بهدست آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بکارگیری سیستم حسابداری دادگاهی در ایران در کاهش موضوع تقلب، اختلاس و فساد و اعمهال غیرقانونی موثر است و استفاده از حسابداران دادگاهی کمک شایانی به کاهش جرایم مالی در بخش عمومی و خصوصی ایران خواهد داشت. حسین فخاری، وحید اسکو (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان "تقلب در صورتهای مالی: نیاز به تغییر الگو به سمت حسابداری دادگاهی" انجام دادند. این مقاله درصدد است تا ضمن مروری به چگونگی تحول در حسابداری دادگاهی و روند تکاملی آن به بررسی نقش آموزش در این شاخه از حسابداری در کاهش تقلبات در صورتهای مالی و اعتماد بیشتر به صورتهای مالی حسابرسی بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تغییر الگو در حسابداری دادگاهی ممکن است گام درستی برای افزایش شانس جلوگیری و کشف تقلب در صورت مالی باشد. همچنین مرور پژوهشها در سایر کشورها نشان داد که ادغام و گنجاندن حسابداری دادگاهی در برنامه‌های آموزشی حسابداری می‌تواند برای آشنایی حسابداران و کاهش تقلبات آتی مفید باشد. این یافته‌ها نیاز به تغییر در محتوی استاندارد بین‌المللی حسابرسی شماره 240 (ISA 240) و استاندارد حسابرسی ۲۴۰ ایران را که منجر به افزایش دامنه مسئولیت حسابرسان میشود ضروری میسازد. تغییراتی که میتوانند باعث کاهش وقوع تقلبات و کلاهبرداری‌ها شوند توحیدی و قادری (۱۳۹۳) انجام داده‌اند. علل اطاله دادرسی در نظام مالیاتی ایران و راهبردهای کنترلی آن هدف تلفیق تئوری و تجربه با بهره‌گیری از نظریات علمی اندیشمندان و استفاده از تجربیات عملی صاحبان تجارب مالیاتی به منظور شناسایی عوامل اطاله دادرسی و ارائه راه حل جامع برای رفع این معضل این پژوهش انجام شده و بر این اساس در پژوهش حاضر، به نقش هر یک از عوامل درون سازمانی و برون سازمانی، اعم از قانونی و اجرایی و ساختاری پرداخته و پیشنهادهایی در جهت اصلاح موادی از قوانین و مقررات مالیاتی با تدوین قانون تشکیلات و آیین دادرسی مالیاتی و توجه به منابع انسانی بر اساس استاندارد سازی فرآیندها، توسعه نظام مالیاتی با اصلاح بنیادین ساختارها را مورد تأکید قرار داده است

یادگاری و کیانی (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان "بررسی لزوم نظام مند شدن حرفه حسابداری دادگاهی" انجام داده است. در این مقاله با استناد به استدلال هابر (۴) ۲۰۱۲ که در پژوهش خود بیان داشته حسابداری دادگاهی تبدیل به حرفه شده و دارای موازین حرفه‌ای است، لزوم تنظیم مقررات برای حرفه حسابداری دادگاهی و ساز و کار صدور گواهینامه حسابرسی دادگاهی مورد بررسی قرار می‌گیرد. با بررسی مروری سایر متون پژوهشی، راهکارهایی برای بررسی مشکلات پیشنهاد شده است که برخی از آن‌ها شامل پذیرش داوطلبانه مقررات حسابداری دادگاهی توسط شرکت‌ها، ایجاد یک سازمان مستقل برای تأیید اعتبار شرکتها و گواهینامه‌ها، و مداخله‌های دولتی و قانونی است. و امکان سنجی راه حل‌های جایگزین ارزیابی میشود و همچنین نتیجه

گیری میشود که واقع بینانه ترین راهکار، تنظیم و الزام مقررات حسابداری دادگاهی از طرف دولت در قالب قانونگذاری در سطح کشور است. مهربان پور و بخشنده (2019)، توانایی اثربخشی رسیدگی های انجام شده توسط کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی در مقایسه با حسابرسان در تعدیل برنامه های حسابرسی را مورد مطالعه قرار دادند. آنان جهت آزمون فرضیه های خود ۲۱ حسابرس از موسسات حسابرسی و ۴۳ کارشناس رسمی دادگستری فعال در سال ۱۳۹۵ را به عنوان نمونه انتخاب نمودند و به این نتیجه رسیدند که کارشناسان رسمی دادگستری نسبت به حسابرسان در رسیدگی های خود کمتر از استانداردهای حسابرسی استفاده نموده و بررسیهای آنان از اثربخشی کمتری برخوردار است. معینی (2018). در مطالعات خود با عنوان "بررسی چگونگی افزایش کیفیت گزارشهای حسابداران قضائی براساس تحلیل رابطه خبرگی فنی با تناسب الزامات و ظرفیت سیستم های اطلاعات حسابداری" بر این نکته نموده است که نظریه حسابداران دادگاهی و کارشناسان رسمی فعال در این حوزه می تواند در صدور حکم قضات در دادگاهها نقشی موثر ایفاء نمایند، لذا رسیدگی به عموم پرونده های قضایی مستلزم وجود مهارت لازم در تحلیل داده های حسابداری استخراج شده از سیستم اطلاعاتی حسابداری می باشد. وی با استفاده از روش پژوهش تحلیلی - توصیفی و سپس همبستگی، جایگاه سیستم های اطلاعاتی حسابداری در افزایش کیفیت نظریه حسابداران دادگاهی و کارشناسان رسمی مورد کنگاش قرار داده است و سپس رابطه خبرگی فنی و حضور حسابداران دادگاهی و کارشناسان رسمی با ظرفیت سیستم های اطلاعات حسابداری و نقش آن در صدور احکام قضایی را مورد تحلیل قرار داده و به نتایج معنی دار مثبتی بین آنها دست یافته است. فتاحی (2018) در مطالعات خود نقش کارشناسان رسمی دادگستری در اجرای عدالت قضایی بررسی و معتقد است نظریه دقیق کارشناسی ارائه شده از سوی کارشناسان رسمی دادگستری، زمینه ساز رفع اطاله دادرسی و اتقان آراء و در راستای سیاستهای دستگاه قضا می باشد. وی در پژوهشی که از حیث هدف کاربردی و از حیث نوع توصیفی بوده، ضمن بکارگیری روش تحلیل محتوا به این نتیجه رسیده است که نظر کارشناسان رسمی دادگستری در سرنوشت پرونده ها و تصمیم گیری های مقامات قضایی نقش بسزایی داشته و اظهار نظر صحیح آنان به اجرای عدالت، احقاق حق و نظم دهی و ایجاد امنیت پایدار کمک می نماید. (صحت، ۲۰۱۸) نقش مهارتی حسابداری دادگاهی در حاکمیت شرکتی از دیدگاههای کارکنان حرفه حسابداری، دانشگاهیان و کاربران استفاده کننده از خدمات حسابداری دادگاهی یعنی قضات و وکلا را مورد بررسی قرار داده است. داده های گردآوری شده وی در نمونه ای شامل ۲۹۷ نفر و با استفاده از روشهای آماری ناپارامتریک شامل آزمونهای مقایسه میانگین، آزمون رتبه های علامت دار ویلکاکسون و فنون رتبه بندی فریدمن، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته

اند. نتایج حاکی از نارضایتی از سطح مهارت حسابداران دادگاهی در شرایط کنونی بوده است. همچنین از دیدگاه پاسخ دهندگان ضروری ترین مهارت حسابداران دادگاهی توانایی گردآوری اسناد لازم برای اثبات یک ادعا و تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی می باشد منصوری و وادی زاده (2018) در مطالعات خود تحت عنوان "کارشناسان رسمی چگونه تبیین می کنند؟ تاملی بر روش شناسی در کارشناسی حسابداری و حسابرسی با تاکید بر روش شناسی تطبیقی" ضمن استفاده از اطلاعات مندرج در ۲۲ مورد از پرونده های کارشناسی در سطح ملی به این نتیجه دست یافتند که در رسیدگی به این دسته از پرونده ها از بین رهیافتهای مطرح در روش شناسی، روش تطبیقی از کاربردی وسیع برخوردار می باشد همچنین اعمال روش مناسب در رسیدگی ها نتیجه مطلوب تری به همراه داشته است. سرخوش و صفانژاد (2018) در پژوهشی تحت عنوان بررسی جایگاه نظریه کارشناسی در دادرسی کیفری" بیان نموده اند که کارشناسی یکی از مهم ترین طرق اثبات جرم و شناسایی مجرمین در دادرسیهای کیفری بشمار می رود و با توجه به پیشرفتهای علمی و فناوری وابستگی روز افزون فرآیند دادرسی کیفری به بهره برداری از نظرات متخصصین به همراه داشته است. در قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری در موارد متعددی بر لزوم ارجاع به کارشناسان و استفاده از نظریه کارشناسی اشاره و رویه علمی قضات در دادگاههای عمومی و انقلاب تجدید نظر و دیوان عالی کشور این است که در بسیاری از پرونده های قضایی موضوع به کارشناسان مربوطه ارجاع می شود و نظریه آنها به عنوان یکی از دلایل اثبات جرم مورد استفاده قرار می گیرد و در امور کیفری نیز از لوازم ضروری و غیر قابل انکار دادرسی محسوب می شود. کارشناس باید در مدت مقرر نسبت به ارائه نظر کارشناسی صریح و موجه خود اقدام نماید و نتیجه و گزارش کار خود را به مرجعی که به او مأموریت داده است تحویل دهد. بنابراین کارشناس نمی تواند به طور کلی نظر بدهد و نیز نباید به مسائلی که خارج از موضوع کارشناسی است اشاره کند. دست اندرکاران عرصه عدالت کیفری نیز باید به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی تنها اموری را به کارشناسان ارجاع دهند که جنبه فنی و تخصصی داشته و از حیطة اختیارات مقام قضایی خارج و نیاز به کسب اظهار نظر کارشناسی داشته باشند. کردی (۱۳۹۵) به بررسی عوامل موثر در رسیدگی به پرونده های قضایی از دیدگاه کارشناسان رسمی دادگستری پرداخته است. در این مطالعه تعداد ۵۰ نفر از کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی به ۲۱ سوال مطرح شده در پرسشنامه محقق ساخته پاسخ دادند. نتایج نشان داد که رفتار و اخلاق حرفه ای، هزینه و دستمزد، روابط عمومی و داشتن مهارت لازم در فنون مصاحبه، وجود استاندارد در زمینه حسابرسی قضایی یا دادگاهی و آشنایی با فنون کشف تقلب و ردیابی در فرایند رسیدگی ها به پرونده های کارشناسی از مهمترین ضرورتها بشمار می روند. شهبازی نیا، و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعات خود تحت عنوان

" فن آوری اطلاعات و ارتباطات و عدالت قضایی" به این نتیجه رسیده اند که بهبود مدیریت دادگستری مستلزم استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان عاملی موثر در گسترش فرصتهای جدید می باشد. آنان بر این گمانند که امروزه ناکار آمدی روشهای مرسوم و سنتی ابلاغ اوراق قضایی، بایگانی پرونده ها و پرهزینه بودن آنها، چالشهای دسترسی به منابع اطلاعاتی مطمئن، بیم مفقود شدن اوراق و مدارک و اطاله دادرسی از یک طرف و امکان پیگیری وضعیت پرونده ها و ارسال لوایح از راه دور با استفاده از فن آوری های جدید از سوی دیگر، به یکی از دغدغه های جدی نظام های حقوقی - قضایی تبدیل شده است. آنان به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تاثیر فن آوری های نوین در جهت دستیابی به عدالت قضایی پرداختند و اهمیت زیر ساختهای توسعه فن آوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده از این فن آوری ها در روابط داخلی و خارجی دادگاهها را مورد تاکید قرار داده اند و نتیجه گرفتند که فناوری اطلاعات و ارتباطات باید در دو حوزه اطلاعات سازمان قضایی و ارتباطات سازمان قضایی مورد ملاحظه قرار گیرند.

سوالات پژوهش

به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر این پژوهش و پاسخگویی به این سوال اصلی که فرایند افزایش کیفیت و اثر بخشی رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی از چه الگویی متابعت می کند سوالات اصلی به صورت ذیل ارائه شده است:

- ۱) کاهش کیفیت و اثر بخشی رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی منبث از چه مقولاتی می باشند؟
- ۲) کاهش کیفیت و اثر بخشی در رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی تحت تاثیر کدام دسته از عوامل علی قرار دارند؟
- ۳) مقابله با کاهش کیفیت و اثر بخشی در رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی اعمال کدامیک از راهبردهای اساسی را ایجاد می نماید؟
- ۴) پیامدهایی ناشی از اعمال راهبردهای مقابله با کاهش کیفیت و اثر بخشی در رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی کدامند؟
- ۵) راهبردهای مقابله با کاهش کیفیت و اثر بخشی در رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی تحت تاثیر کدام دسته از عوامل زمینه ای قرار دارند؟
- ۶) راهبردهای مقابله با کاهش کیفیت و اثر بخشی در رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی تحت تاثیر کدام دسته از عوامل مداخله گر قرار دارند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع آمیخته (کیفی-کمی) با هدف شناخت، تحلیل و ارزیابی رسیدگی‌های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی و نتایج حاصله به منظور بازمهندسی فرآیند بررسی‌ها است. به این منظور با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته، خبره سنجی صورت پذیرفت و مدل کیفی با استفاده از تحلیل نظریه داده بنیاد، بدست آمده و پس از ارائه پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مدل کیفی، ۳۱۸ نفر مورد ارزیابی قرار گرفتند تا مدل کیفی با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری و داده‌های کمی مورد بررسی قرار گیرند. در ابتدا از مصاحبه شونده‌گان خواسته شد تا علل و عواملی که سبب کاهش کیفیت و اثر بخشی در رسیدگی‌های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی می‌شوند را بیان نمایند. براین اساس طبق کدگذاری باز تحلیل‌ها بر مبنای پاسخهای بدست آمده از مصاحبه صورت پذیرفت و در نهایت ضمن دستیابی به کدهای نهایی، کدها در قالب مفاهیم و مقولات اصلی مطابق با کدگذاری محوری و انتخابی تعریف و در نهایت به عنوان شرایط علی مورد شناسایی قرار گرفتند. نتیجه آنکه برخی عوامل علی از اثرات بیشتری بر پدیده اصلی برخوردار بودند. پدیده اصلی در این پژوهش، کاهش کیفیت و اثر بخشی در رسیدگی‌های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی است. لذا از مصاحبه شونده‌گان خواسته شد تا عوامل تبیین کننده چنین پدیده‌ای را مورد تشریح قرار دهند. پیاده سازی پاسخهای دریافتی از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی مفاهیم و مقولاتی را بدست داد. شرایط زمینه ساز راهبردها را متأثر ساخته و در استحکام چارچوب مدل نقشی اساسی ایفاء می‌نمایند. از این رو، از مصاحبه شونده‌گان خواسته شد تا چنین شرایطی را در ارتباط با پدیده اصلی تشریح نمایند. نتایج بدست آمده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی مفاهیم و مقولات حاصل از نظرات مصاحبه شونده‌گان را بدست داده است. جامعه آماری پژوهش حاضر در بخش کیفی متشکل از کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی، و اساتید دانشگاهی متخصص در این حوزه بوده است. با استفاده از روش گلوله برفی و نمونه گیری هدفمند افراد با تحصیلات دانشگاهی و تجارب کارشناسی کافی در رشته حسابداری و حسابرسی انتخاب شده‌اند. «نمونه‌گیری هدفمند». جامعه آماری پژوهش در بخش کمی شامل کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی در سطح کشور بوده که بدلیل وسعت فراوانی و جغرافیایی، بر اساس روش خوشه‌ای تصادفی ساده، تعداد ۴ خوشه بصورت تصادفی بر اساس قرعه کشی با شانس برابر شامل تهران، گیلان، خراسان جنوبی و چهارمحال و بختیاری انتخاب شدند. در هر یک از این استان‌ها نیز از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس می‌باشد. آمار دریافتی از مرکز و کانون کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی این چهار استان، حاکی از

وجود ۱۰۱۷ نفر کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی در این استان ها می باشد. به منظور محاسبه تعداد اعضای نمونه مورد نیاز از فرمول جامعه محدود کوکران استفاده شده است.

این پژوهش از جنبه فلسفه، تفسیری، از حیث روش‌شناسی، آمیخته و از حیث جهت‌گیری بنیادی و از نظر روش، کیفی بوده و از جهت استراتژی از نظریه داده بنیاد متابعت می نماید. مطالعه از رویکردی استقرایی، هدفی، اکتشافی و افق زمانی تک مقطعی برخوردار است. در گردآوری داده‌ها نیز از مصاحبه نیمه ساختاریافته مدد گرفته شده است و بدین ترتیب به تبیین زوایای نوینی از یک الگو و واکاوی موضوع مورد مطالعه پرداخته شده است. همچنین از این جهت که نتایج مورد انتظار از آن می‌تواند برای کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی مورد استفاده قرار گیرد، از نوع «کاربردی» می‌باشد.

در این پژوهش در بخش کیفی پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از روش مشاهده غیر مشارکتی و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده خواهد شد. به این ترتیب که جهت آگاهی پژوهشگر از «دیدگاه‌های افراد، چگونگی شکل‌گیری ادراکات مشترک آن‌ها و آگاهی از انگیزه‌های تصمیم‌گیری‌ها و ادراک تجارب ویژه آنان» (حریری، ۱۳۸۵: ۱۴۷)، از مصاحبه نیمه ساخت یافته استفاده خواهد شد و از طریق مشاهده تعاملات، اعمال و کنش‌های شرکت کنندگان، ارتباطات و شکل‌گیری نگرش‌های آنان مورد مطالعه قرار خواهد گرفت (فلیک، ۱۳۸۸: ۲۴۷) «مشاهدات می‌توانند صحت گفته‌های مصاحبه‌شونده و نکات احتمالی فراموش شده را مشخص کنند» (صدر نبوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۰) و «ترکیب روش‌های گردآوری داده‌ها می‌تواند به پژوهشگر کمک کند که صحت داده‌ها را دریابد» (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۴: ۲۲۶). به اعتقاد آدلر و آدلر (۱۹۹۴) نیز «مشاهده در صورت ترکیب با سایر روش‌های گردآوری اطلاعات، می‌تواند پژوهش را از دقت بیشتری برخوردار نماید». برای ضبط مشاوره‌ها و مصاحبه‌ها از دستگاه ضبط صدا استفاده خواهد شد و مصاحبه‌ها در محیطی آرام و با توجیه کامل مصاحبه‌شونده خواهد شد.

علاوه بر داده‌هایی که با استفاده از روش‌های فوق گردآوری خواهند شد، از داده‌های حاصل از طریق یادداشت‌های میدانی، خاطرات پژوهش و اطلاعات زمینه‌ای نیز بهره برده خواهد شد. زیرا «یادداشت‌های پژوهشگر کیفی در جریان پژوهش، شامل توصیف رخدادها، محیط، رفتارها و غیره نیز بخش مهمی از داده‌های پژوهش کیفی محسوب می‌شوند» (حریری، ۱۳۸۵: ۱۵۰) و می‌توانند «اطلاعات ارزشمندی درباره تجربه‌هایی که از پژوهش وجود دارند در اختیارمان قرار دهند» (فلیک، ۱۳۸۸) به این ترتیب «ثبت داده‌ها، یادداشت برداری‌های اضافی و پیاده کردن متن گفتگوهای ضبط شده، واقعیت‌های مورد نظر را به متن و گزارش‌هایی بر اساس نتایج به دست آمده

از میدان بدل می‌کند» (همان).

مصاحبه نیمه ساخت یافته از روش‌های اصلی جمع‌آوری داده‌ها در روش نظریه زمینه‌ای است. «انتقاد رویکرد کیفی به روش‌های طراحی‌شده مصاحبه‌های پیمایشی، بر این منطبق استوار است که پژوهشگر باید در مقابل گفته‌های مصاحبه‌شونده و نحوه ادراک وی، حالتی پذیرا داشته باشد» (حریری، ۱۳۸۵)، این در حالی است که «ساختار یا ترتیب پرسش‌ها به صورت ثابت و به گونه‌ای که از ابتدا توسط مصاحبه‌گر طراحی شده باشد، فاقد انعطاف-پذیری و حساسیت لازم در مقابل زمینه است و امکان پرداختن به نکات باریک و جزئیات موردنیاز را فراهم نمی‌کند» (میسون، به نقل از همان). در این نوع مصاحبه‌ها «پژوهشگر فهرستی از پرسش‌ها یا موضوع‌های اصلی پژوهش موردنظر را تهیه می‌کند که این فهرست، برگه راهنمای مصاحبه خوانده می‌شود. برگه راهنمای مصاحبه فقط مشخص‌کننده موضوعاتی است که مصاحبه، آن‌ها را پوشش خواهد داد و مصاحبه‌گر، الزامی به رعایت ترتیب در مطرح کردن پرسش‌ها بر طبق برگه راهنمای مصاحبه ندارد. مصاحبه‌گر همچنین می‌تواند علاوه بر آنچه در برگه راهنمای مصاحبه مطرح شده، با توجه به پاسخ‌های مصاحبه‌شونده، پرسش‌های دیگری نیز مطرح کند و یا به تفحص بیشتر در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان پردازد». در این مصاحبه‌ها پاسخگو نیز آزادی عمل بیشتری دارد و می‌تواند به راحتی در اطراف موضوع صحبت کند. نظریه داده‌بنیاد حاصل از پژوهش با روش نظریه زمینه‌ای و تبیین‌هایی که بر مبنای آن شکل می‌گیرد پایان فرایند تبیین نیست، بلکه لازم است این تبیین‌ها را مورد آزمون قرار داد. چون «چنین تبیین‌های پسینی ولو آنکه با واقعیت‌های مشاهده‌شده همسازی داشته باشند بطور حتم موجه‌ترین تبیین‌ها نیستند» (مرتون، ۱۹۶۸: ۹۳) و «ارائه تبیین مناسب، متضمن دو فرایند مرتبط به هم یعنی نظریه‌پردازی و نظریه آزمایی است» (دواس، ۱۳۸۶: ۲۰). بنابراین در مرحله دوم پژوهش، همان‌طور که در بخش روش پژوهش آمیخته توضیح داده خواهد شد، باهدف آزمون نظریه داده‌بنیاد حاصل از پژوهش کیفی، از روش پژوهش کمی، راهبرد پیمایش استفاده خواهد شد. بدین ترتیب که در مرحله کیفی پژوهش، پس از جمع‌آوری داده‌های کیفی و تحلیل و تفسیر یافته‌ها، مدل نظری پژوهش به دست خواهد آمد. سپس بر مبنای این مدل نظری و روابطی که بین مفاهیم این مدل به دست خواهد آمد، فرضیه‌های پژوهشی تدوین خواهند شد و پرسشنامه محقق‌ساخته برای آزمون این فرضیه‌ها طراحی و بین جمعیت نمونه توزیع خواهد شد. درنهایت یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش کمی در مرحله «تفسیر» با یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش کیفی مقایسه خواهد شد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

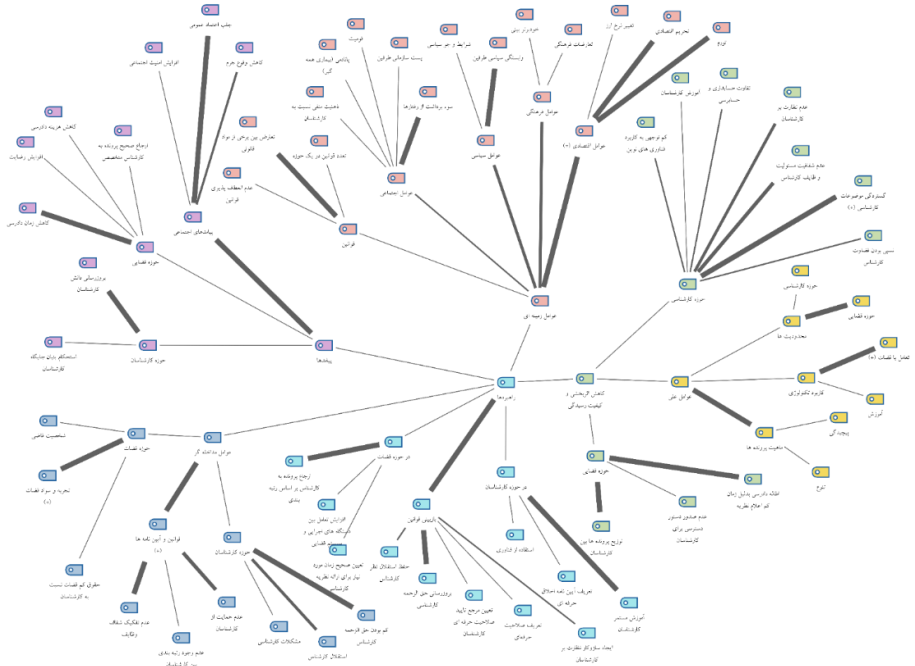
در بخش کیفی در مرحله تحلیل داده‌ها، اساسی‌ترین کار، مشخص کردن طبقه‌های افراد، کارها، رویدادها و ویژگی‌های آنهاست تا از این طریق به تدریج به هستی و علل پدیده‌ها بیشتر پرداخته شود. بدین ترتیب می‌توان پس از مشخص کردن طبقات و گروه‌ها، آنها را نام‌گذاری نمود و به یکدیگر مرتبط ساخت (مارشال و راس من، ۱۳۸۶: ۱۵۶). این فرایند «کدگذاری نظری» نامیده می‌شود که توسط گلیزر و استراوس در سال ۱۹۶۷ ابداع شد. کدگذاری به‌طور کلی عملیاتی است که طی آن داده‌های گردآوری شده خرد می‌شوند، سپس مفهوم‌پردازی شده و به روش‌های جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۶۱). و کدگذاری نظری «روشی است برای تحلیل داده‌هایی که به‌منظور تدوین یک نظریه به روش نظریه زمینه‌ای گردآوری شده‌اند» (فلیک، ۱۳۸۸: ۳۲۹). در جریان تحلیل داده‌ها به شیوه کدگذاری نظری، از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌شود که عبارتند از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی که به ترتیب توضیحاتی در مورد نحوه انجام هر کدام در فصل سوم به تفصیل بدانها پرداخته شده است.

در اولین بخش از این مطالعه، نظریه داده بنیاد و در دومین بخش از معادلات ساختاری استفاده شده است. انتخاب مصاحبه شونده‌گان پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۶ نفر از خبرگان تا رسیدن به اشباع نظری و تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و داده‌ها از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی ضمن استفاده از نرم افزارهای مناسب مراحل اولین بخش از مطالعه حاضر را تشکیل می‌دهند. در اولین گام کدگذاری، اقدام به کدگذاری باز به روش خط به خط شد و ۶۰۱ واحد معنایی شناسایی شد که در قالب ۱۰۶ گزاره مفهومی (نشانه) سازماندهی و در قالب ۶۰ مقوله فرعی و ۲۱ مقوله اصلی دسته‌بندی و در نهایت به ۶ مفهوم کلی دسته‌بندی شدند. در مرحله کدگذاری محوری ابتدا مقوله اصلی تعیین و سپس سایر مقوله‌ها در قالب پنج خوشه بزرگ عوامل علی، راهبردها، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر و پیامد دسته‌بندی شدند و در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی روابط بین آنها در قالب مدل پارادایمی نظریه تدوین شد. همچنین باید افزود که کدگذاری باز و محوری با تجزیه و تحلیل مکرر داده‌ها تا مقطع رسیدن به اشباع نظری تکرار و سپس متوقف شدند.

در بخش کمی به تحلیل‌های آمار استنباطی داده‌های استخراج شده از نمونه‌ها به منظور تعمیم به جامعه خواهیم پرداخت. به عبارت دیگر با استفاده از داده‌ها و اطلاعات حاصل از نمونه‌های آماری به برآورد ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه خواهیم پرداخت. از آنجا که متغیرهای پنهان پژوهش برخلاف متغیرهای مشاهده‌پذیر به‌طور مستقیم قابل اندازه‌گیری نیستند و توسط تعدادی متغیرهای آشکار سنجیده می‌شوند لذا به منظور بررسی مدل پژوهش از مدل

سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) و نرم‌افزار SMARTPLS استفاده خواهد شد. این روش در دو بخش شامل «بررسی برازش مدل» و «آزمون فرضیه‌های پژوهش» مورد استفاده قرار می‌گیرد. داده‌های لازم برای اجرای پژوهش حاضر در مرحله کمی از طریق پرسشنامه محقق ساخته ناشی از مدل اولیه مرحله کیفی مورد ارزیابی قرار گرفته که بر اساس طیف ۵ گزینه ای لیکرت طراحی شده است. در خصوص روش نمونه‌گیری بکار رفته نیز باید افزود از میان استان‌های ایران اسلامی بر اساس روش خوشه‌ای تصادفی ساده، تعداد ۴ خوشه بصورت تصادفی بر اساس قرعه‌کشی با شانس برابر شامل تهران، گیلان، خراسان جنوبی و چهارمحال و بختیاری انتخاب شدند. در هر یک از این استان‌ها نیز از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس می‌باشد. در این روش بدون ارائه احتمال برابر به تمامی اعضای نمونه، دلیل عدم دسترسی به تمامی افراد و همچنین لیست کامل مشخصات، و همچنین عدم همکاری لازم بسیاری از اعضای جامعه آماری، روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس مورد استفاده قرار گرفت که طی آن، هر یک از اعضای نمونه که در دسترس پژوهشگر بوده و تمایل به مشارکت در پژوهش را داشتند مورد بررسی قرار گرفتند. جامعه آماری پژوهش حاضر در مرحله کمی شامل کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی در سطح کشور بوده که به دلیل وسعت فراوانی و جغرافیایی، بر اساس روش خوشه‌ای تصادفی ساده، تعداد ۴ خوشه بصورت تصادفی بر اساس قرعه‌کشی با شانس برابر شامل تهران، گیلان، خراسان جنوبی و چهارمحال و بختیاری انتخاب شدند. در هر یک از این استان‌ها نیز از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس می‌باشد. آمار دریافتی از مرکز و کانون کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی این چهار استان، حاکی از وجود ۱۰۱۷ نفر کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی در این استان‌ها می‌باشد. به منظور جمع‌آوری داده‌های لازم به نسبت اعضای حاضر در هر استان به کل این چهار استان، نسبت به محاسبه تعداد نمونه لازم اقدام شد. به منظور محاسبه تعداد اعضای نمونه مورد نیاز نیز از فرمول جامعه محدود کوکران استفاده شد و تعداد نمونه‌ها 296 مورد بدست آمد. تعداد ۳۱۸ پرسشنامه از طریق لینک الکترونیک توزیع گردید و در پایان ۲۹۱ نمونه جمع‌آوری قابل استفاده احصا گردید و در تحلیل مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها
الف-بخش کیفی



شکل شماره ۱: نتایج حاصل از بخش کیفی

یافته های حاصل از این پژوهش در قالب الگوی ارائه شده در نمودار نشان می دهد که چگونه می توان از طریق کنترل عوامل گوناگون به پیامدهای نامطلوب ناشی از وجود ضعف در کیفیت و اثربخشی رسیدگیهای انجام شده توسط کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی با دو منشاء قضائی و کارشناسی پایان داد و از طریق مدیریت این عوامل به تقویت آثار اجتماعی، قضائی و تخصصی کارکرد حسابداران در نظام قضایی پرداخت. این نتایج نشان می دهند که ماهیت پرونده ها از حیث تنوع و پیچیدگی، عدم بکارگیری فنون نوآورانه چه از جنبه های آموزشی و چه از حیث ساختاری و محدودیت های موجود در حوزه های کارشناسی بیشترین تاثیر را بر کاهش کیفیت و اثربخشی رسیدگیهای کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی دارا می باشند. نبود استاندارد های حرفه ای و فقدان مهارت لازم، محدودیت دسترسی به اسناد و مدارک، کمبود زمان جهت ارائه نظریه و برخورد طرفین پرونده با کارشناسان، محافظه کاری، از حیث اثر گذاری بر کیفیت و اثربخشی رسیدگیها

به ترتیب در اولویت های بعدی قرار می گیرند. زمینه های اقتصادی، اجتماعی و همچنین فرهنگی و سیاسی همراه با برخی عوامل مداخله گر همچون عوامل مربوط به قضات (تجربه، ابعاد شخصیتی، حقوق و عدم شفافیت ابلاغیه ها)، کارشناسان (تبعیض در واگذاری پرونده ها، سطح تعامل کارشناسان با دادگاه و اعضاء هیئت های کارشناسی و استرس شغلی و....)، و قوانین (عدم تفکیک شفاف وظایف قانونی، رتبه بندی کارشناسان مبتنی بر مقررات، و عدم حمایت های قانونی از کارشناسان) از جمله عواملی بشمار می روند که کنترل و مدیریت آنها دستیابی به ساز و کارهای مناسب جهت استحکام بنیان جایگاه کارشناسان، کاهش زمان دادرسی، افزایش رضایت عمومی و مراجع قضائی را در پی داشته و امنیت اجتماعی، کاهش مراجعات حقوقی و کاهش وقوع جرم را به دنبال خواهد داشت. این مهم از طریق افزایش شفافیت در نظریه های کارشناسی، ایجاد امکان دفاع از نظریه های کارشناسی، به روزرسانی دانش کارشناسان، جلوگیری از اطاله دادرسی، کاهش هزینه دادرسی، و ارجاع صحیح پرونده ها به کارشناسان متخصص قابل حصول است.

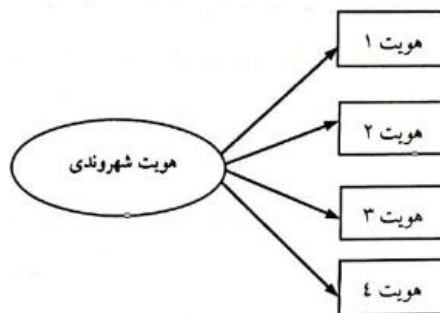
ب- بخش کمی

در تحلیل های آمار استنباطی همواره نظر بر این است که نتایج حاصل از مطالعه گروه کوچکی بنام نمونه چگونه به گروه بزرگتری بنام جامعه تعمیم داده می شود. به عبارتی، پژوهش گر با استفاده از داده ها و اطلاعات حاصل از نمونه آماری به برآورد ویژگی های جامعه مورد مطالعه می پردازد. متغیرهای پنهان پژوهش برخلاف متغیرهای مشاهده پذیر به طور مستقیم قابل اندازه گیری نیستند و توسط تعدادی متغیرهای آشکار سنجیده می شوند. در این حالت، مدل سازی معادلات ساختاری مناسب ترین روش برای بررسی مدل پژوهش است. در این پژوهش از مدل سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) و نرم افزار SMARTPLS استفاده شد و تجزیه و تحلیل داده ها نیز بر اساس الگوریتم تحلیل داده ها در روش حداقل مربعات جزئی که شامل دو بخش «بررسی برازش مدل» و «آزمون فرضیه های پژوهش» است انجام گرفت. دلیل این امر نیز به این نکته بر می گردد که روش حداقل مربعات جزئی بر خلاف نرم افزارهای نسل اول مدل سازی معادلات ساختاری مانند لیزرل یا آموس به حجم نمونه و نرمال بودن توزیع متغیرها حساس نمی باشد استفاده از این رویه مناسب تر است. به منظور انجام فرآیند تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار smartpls3، ابتدا بارهای عاملی انجام می شود. این مقدار میزان شدت رابطه میان یک متغیر پنهان و متغیر آشکار مربوطه را طی فرآیند تحلیل مسیر مشخص می کند و هر قدر این مقدار بیشتر باشد، آن شاخص سهم بیشتری در تبیین آن سازه ایفا می کند. همچنین اگر این شاخص منفی باشد نشان دهنده تاثیر منفی آن در تبیین سازه مربوطه

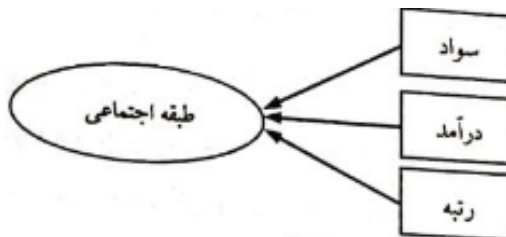
دارد.

تعیین پایایی پرسشنامه

یکی از روش های متداول برای محاسبه بررسی پایایی پرسشنامه های پژوهشهای مختلف، شاخص آلفای کرونباخ می باشد. ولی نکته ای که در این بین باید مورد توجه قرار گیرد، تفاوت در انواع مدل های اندازه گیری است. برخی از مدل های اندازه گیری متغیرهای مورد بررسی به صورت انعکاسی است.



شکل شماره ۲: تمثيل مدل اندازه گیری انعکاسی



شکل شماره ۳: تمثيل مدل اندازه گیری ترکیبی یا ترکیبی

در مدل اندازه گیری انعکاسی همپوشانی میان معرف ها برای تبیین حوزه مفهومی مشخص است ولی در مدل اندازه گیری ترکیبی یا ترکیبی، محوریت مشترک و همپوشانی وجود نداشته و به نوعی مستقل از هم بوده و با یکدیگر همبستگی ندارند (غیاثوند، ۱۳۹۷). در مدل های اندازه گیری انعکاسی امکان استفاده از روش آلفای کرونباخ وجود دارد ولی در مدل های اندازه گیری ترکیبی، نمی توان از این شاخص استفاده نمود. همچنین شاخص های روایی همگرا و واگرا، و پایایی ترکیبی متداول در تحلیل های انجام شده با نرم افزار SmartPLS نیز قابل استفاده نمی باشد و لذا از روش های جایگزین یعنی روش موازی استفاده می شود. در این پژوهش نیز تلاش شد تا داده های جمع آوری شده از نظر همبستگی میان یافته ها را محاسبه کرد (غیاثوند، ۱۳۹۷، داوری و رضازاده، ۱۳۹۵).

تحلیل عاملی تأییدی

تحلیل عاملی تأییدی ۱ روشی است که نشان می‌دهد چه میزان گویه‌های سنجش یک سازه به درستی انتخاب شده‌اند. در واقع در این روش مشخص می‌شود آیا سوالاتی که در یک پرسشنامه برای سنجش هر عامل انتخاب شده است مناسب می‌باشد یا خیر. بنابراین تحلیل عاملی تأییدی یک ابزار سنجش روایی پرسشنامه است و به روایی سازه یا مدل اندازه‌گیری نیز موسوم است.

ارزیابی برازش مدل پژوهش

برازش مدل ۲ روشی برای سنجش میزان سازگاری یک الگوی نظری (تئوریک) با یک الگوی تجربی است. برازش مدل نشان می‌دهد مدل طراحی شده توسط پژوهشگر چقدر براساس داده‌های واقعی، پشتیبانی می‌شود. به عبارت دیگر میزان سازگاری مدل تجربی با مدل نظری را نشان می‌دهد. منظور از مدل نظری مدلی است که توسط پژوهشگر براساس ادبیات پژوهش یا تحلیل محتوای کیفی بدست آمده است. منظور از مدل تجربی نیز مدلی است که براساس داده‌های گردآوری شده توسط پژوهشگر اجرا شده است. در این پژوهش از شاخص GOF برای بررسی برازش کل مدل پژوهش استفاده می‌شود. معیار GOF مربوط به برازش کلی مدل - های معادلات ساختاری می‌باشد: سه مقدار ۰.۰۱ کم، مقدار ۰.۲۵ متوسط، مقدار بالای ۰.۳۶ میزان قوی در نظر گرفته می‌شود. که این شاخص در پژوهش حاضر در سطح مقدار بالا قرار گرفته است.

$$GOF = \sqrt{\text{average}(\text{Communalities}) * R^2}$$

$$GOF = \sqrt{0.287167 \times 0.442333} = 0.356403$$

با توجه به نتایج بدست آمده حصول مقدار ۰/۳۵۶۴۰۳ حاکی از برازش قوی مدل است.

آمار توصیفی مرحله کمی

نتایج آمار توصیفی ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ دهندگان پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

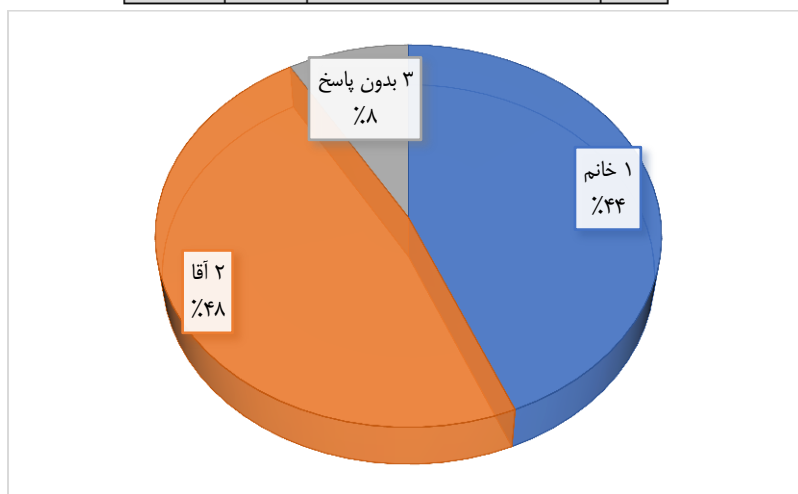
جنسیت پاسخ دهندگان

جدول شماره ۱-۰: توصیف جنسیت پاسخ دهندگان

1. Confirmatory Factor Analysis
2. Model Fit

بازمندی فرآیند رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی (با نگاهی به رویکرد اخلاق حرفه ای) | ۳۵۹

ردیف	فراوانی	درصد
۱	خانم	۴۳/۷۱۱
۲	آقا	۴۷/۷۹۹
۳	بدون پاسخ	۸/۴۹۱
جمع	درصد کل	۱۰۰



نمودار شماره ۱- نمودار جنسیت پاسخ دهندگان

با توجه به جدول و نمودار فوق مشاهده می شود که جنسیت ۴۳/۷۱ درصد خانم، ۴۷/۸ درصد آقا بودند و همچنین ۸/۴۹ درصد به این گزینه پاسخی ندادند.

توصیف سن پاسخ دهندگان

جدول شماره ۲-۰: توصیف سن پاسخ دهندگان

ردیف	فراوانی	درصد
۱	کمتر از ۳۵ سال	۱۱/۶۳۵
۲	۳۵ تا ۴۵ سال	۴۲/۴۵۳
۳	بیشتر از ۴۵ سال	۴۲/۱۳۸
۴	بدون پاسخ	۳/۷۷۴
جمع	درصد کل	۱۰۰



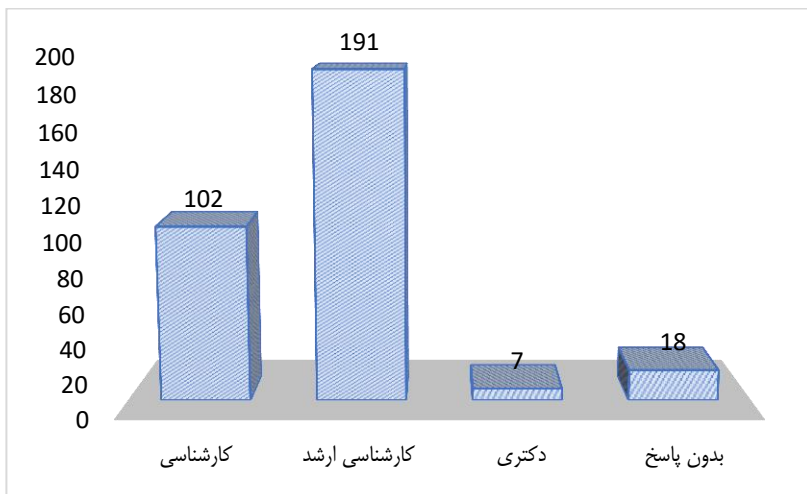
نمودار شماره ۲-: نمودار میله‌ای سن پاسخ‌دهندگان

مطابق جدول و نمودار فوق مشاهده می‌شود که سن ۱۱/۶۳ درصد از پاسخ‌دهندگان کمتر از ۳۵ سال، ۴۲/۴۵ درصد ۳۵-۴۵ سال، و ۴۲/۱۴ درصد نیز ۴۵ سال به بالا بوده‌اند. همچنین ۳/۷۸ درصد به این گزینه پاسخی ندادند.

توصیف مقطع تحصیلی پاسخ‌دهندگان

جدول شماره ۳-: توصیف مقطع تحصیلی پاسخ‌دهندگان

ردیف	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	بدون پاسخ	جمع
۱	۱۰۲	۱۹۱	۷	۱۸	۳۱۸
۲	۳۲/۰۷۵	۶۰/۰۶۳	۲/۲۰۱	۵/۶۶۰	۱۰۰
۳					
۴					
جمع					



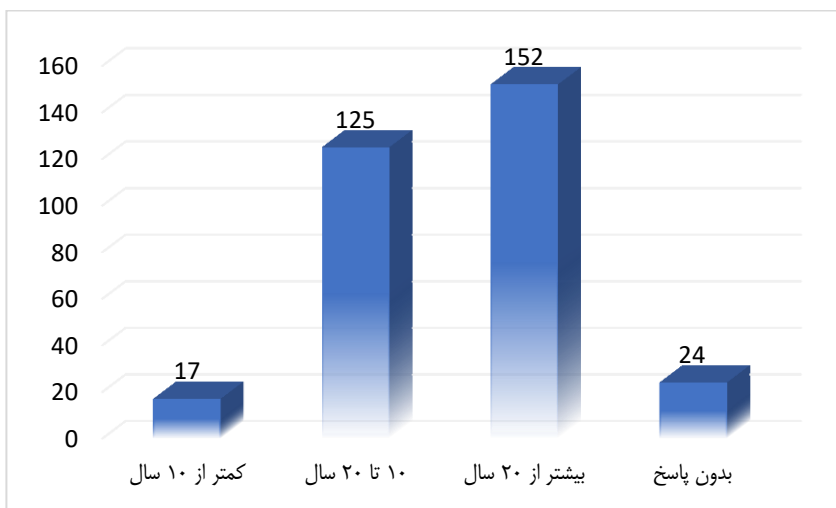
نمودار شماره ۳: نمودار میله ای مقطع تحصیلی پاسخ دهندگان

با توجه به شکل و نمودار فوق مشاهده می شود که مقطع تحصیلی ۳۲/۰۸ درصد از پاسخ دهندگان کارشناسی، ۶۰/۰۶ کارشناسی ارشد و ۲/۲ درصد دکتری بودند و همچنین ۵/۶۶ درصد به این گزینه پاسخی ندادند.

توصیف سابقه خدمت پاسخ دهندگان

جدول شماره ۴: توصیف سابقه خدمت پاسخ دهندگان

ردیف	فراوانی	درصد
۱	۱۷	۵/۳۴۶
۲	۱۲۵	۳۹/۳۰۸
۳	۱۵۲	۴۷/۷۹۹
۴	۲۴	۷/۵۴۷
جمع	۳۱۸	۱۰۰



نمودار شماره ۴: نمودار میله‌ای سابقه خدمت پاسخ‌دهندگان

با توجه به شکل و نمودار فوق مشاهده می‌شود که میزان سابقه خدمت ۵/۳۵ درصد کمتر از ۱۰ سال، ۳۹/۳۱ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۴۷/۸ درصد بیشتر از ۲۰ سال می‌باشد. همچنین ۷/۵۵ درصد به این گزینه پاسخی ندادند.

تحلیل کمی

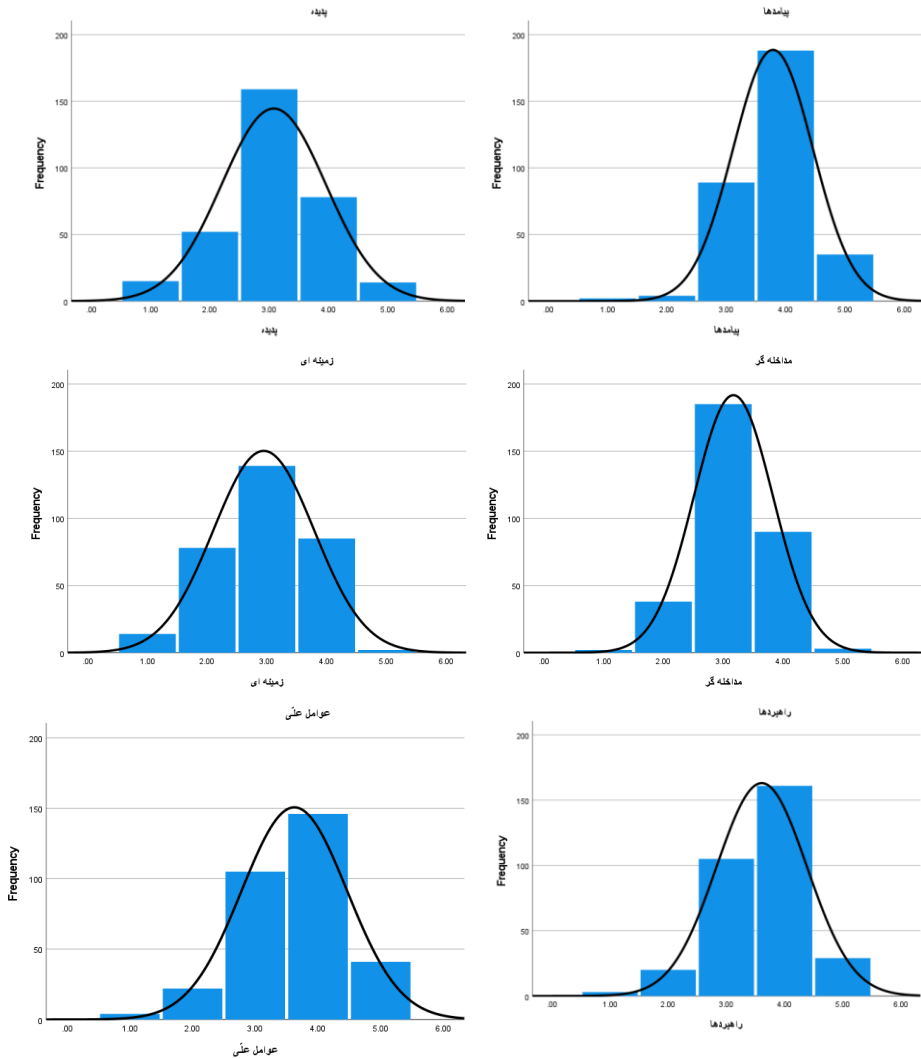
در ابتدا و پیش از ارزیابی مدل ساختاری حاصل از مرحله کیفی، نسبت به بررسی تحلیل عاملی تأییدی مدل اندازه‌گیری پژوهش حاضر اقدام خواهد شد. نظر به اینکه بر اساس مدل کیفی پژوهش حاضر ۶ متغیر شناسایی شده است، به تحلیل عاملی تأییدی این متغیرها پرداخته می‌شود. قابل ذکر است که مدل اندازه‌گیری پژوهش حاضر از نوع تکوینی بوده و تحلیل داده‌های مربوطه در ادامه قابل ارائه می‌باشد لیکن پیش از تحلیل داده‌ها به شرح آمار توصیفی متغیرهای در بخش کمی پرداخته می‌شود.

توصیف متغیرهای پژوهش

در ادامه به توصیف متغیرها و ابعاد متغیرهای پژوهش حاضر پرداخته می‌شود:
جدول شماره ۵- توصیف متغیرهای پژوهش

بیشترین	کمترین	واریانس	انحراف معیار	میانگین	
۵	۱	۰/۶۸	۰/۸۳	۳/۴۸	پدیده
۵	۱	۰/۶۶	۰/۸۱	۳/۵۳	پدیده - کارشناسی
۵	۱	۱/۴۹	۱/۲۲	۳/۲۶	پدیده - قضایی
۵	۱/۶۷	۰/۳۱	۰/۵۶	۴/۲۰	پیامدها
۵	۱	۰/۶۴	۰/۸۰	۴/۰۹	پیامدها-کارشناسی
۵	۱	۰/۴۰	۰/۶۳	۴/۲۶	پیامد اجتماعی
۵	۲	۰/۳۶	۰/۶۰	۴/۱۷	پیامد قضایی
۵	۱/۵۰	۰/۳۵	۰/۵۹	۳/۵۸	مداخله گر
۵	۱	۱/۴۲	۱/۱۹	۳/۷۸	مداخله گر - قضات
۵	۱	۱/۲۵	۱/۱۲	۲/۵۸	مداخله گر - قوانین
۵	۱	۰/۳۹	۰/۶۳	۳/۷۸	مداخله گر-کارشناسی

بیشترین	کمترین	واریانس	انحراف معیار	میانگین	
۵	۱	۰/۶۲	۰/۷۹	۳/۳۸	زمینه ای
۵	۱	۰/۷۵	۰/۸۷	۳/۶۷	زمینه ای - اقتصادی
۵	۱	۱/۱۱	۱/۰۵	۳/۴۴	زمینه ای - سیاسی
۵	۱	۱/۱۷	۱/۰۸	۳/۴۵	زمینه ای اجتماعی
۵	۱	۰/۷۹	۰/۸۹	۳/۲۴	زمینه ای-قوانین
۵	۱	۰/۵۲	۰/۷۲	۴/۰۲	راهبردها
۵	۱	۰/۵۷	۰/۷۶	۴/۳۹	راهبردها- قضات
۵	۱	۰/۷۶	۰/۸۷	۳/۷۹	راهبردها-بازبینی قوانین
۵	۱	۰/۷۱	۰/۸۴	۴/۰۴	راهبردها-کارشناسی
۵	۱/۱۷	۰/۵۴	۰/۷۳	۳/۹۷	عوامل علی
۵	۱/۳۳	۰/۵۲	۰/۷۲	۴/۱۰	عوامل علی - محدودیت ها
۵	۱	۰/۷۴	۰/۸۶	۳/۸۴	عوامل علی - کاربرد تکنولوژی



نمودار شماره ۵- نمودار هیستوگرام متغیرهای پژوهش

مطابق با مندرجات جداول و نمودارهای فوق نتایج زیر حاصل می شود:

پدیده پژوهش شامل شاخص های مربوط به دو حوزه قضایی و کارشناسی و دربر دارنده عواملی همچون توزیع نامناسب پرونده ها بین کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی، کم توجهی به کاربرد فن اوری های نوین، ناکارآمدی آموزش کارشناسان، عدم نظارت بر کارشناسان، تعدد استعلامات قضائی و تنوع مراجع طرف استعلام و گستردگی موضوعات کارشناسی و همچنین تمایز میان نظرات کارشناسان در یک پرونده بطور متوسط

دارای میانگین $۳/۴۸$ ، انحراف معیار $۰/۸۳$ ، واریانس $۰/۶۸$ ، و کمترین و بیشترین مقادیر به ترتیب ۱ و ۵ می باشد.

پیامدهای پژوهش شامل ۳ حوزه قضایی کارشناسان و پیامدهای اجتماعی و در بردارنده عواملی همچون کاهش زمان دادرسی، افزایش رضایت کارشناسان (پیامدهای قضایی) استحکام بنیان و جایگاه کارشناسان از طریق تسریع در رسیدگیها (حوزه کارشناسان) و افزایش اعتماد سیستم قضایی و اعتماد عمومی نسبت به عملکرد کارشناسان و افزایش امنیت اجتماعی (پیامدهای اجتماعی) بطور متوسط دارای میانگین $۴/۲$ ، انحراف معیار $۰/۵۶$ ، واریانس $۰/۳۱$ ، و کمترین و بیشترین مقادیر به ترتیب $۱/۶۷$ و ۵ می باشند.

مهمترین عوامل مداخله گر پژوهش در بردارنده عوامل مرتبط با قوانین و عوامل مربوط به کارشناسان بوده و شامل عواملی همچون، تمایز و تبعیض در رتبه بندی کارشناسان، عدم تفکیک شفاف وظایف و عدم حمایت‌های قانونی از کارشناسان توسط مراجع ذیربط (حوزه قوانین و آئین نامه ها)، فقدان تعامل بین اعضای هیات های چندنفره کارشناسی، عدم دسترسی به تمامی مدارک جهت انجام رسیدگیها و عدم تناسب حق الزحمه های تعیین شده در محاکم قضائی با محتوای پرونده ها، زمان رسیدگیها و میزان مسئولیت آنان (حوزه کارشناسی) بطور متوسط دارای میانگین $۳/۵۸$ ، انحراف معیار $۰/۵۹$ ، واریانس $۰/۳۵$ بوده و کمترین و بیشترین مقادیر به ترتیب $۱/۵$ و ۵ بوده است.

عوامل زمینه ای پژوهش در ۴ حوزه قوانین، عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی و عوامل اجتماعی شامل عدم انعطاف پذیری قوانین، تعدد و ضعف قوانین در یک حوزه خاص، تعارض بین برخی از مواد قانونی (عوامل مرتبط با قوانین)، وابستگی سیاسی طرفین دعوی (عوامل سیاسی)، تغییرات مستمر در شرایط اقتصادی (تورم و تحریم)، بیماری های فراگیر (عوامل اجتماعی)، مهمترین عوامل شناخته شده اند که دارای میانگین $۳/۳۸$ ، انحراف معیار $۰/۷۹$ ، واریانس $۰/۶۲$ که کمترین و بیشترین مقادیر به ترتیب ۱ و ۵ را به خود اختصاص داده اند.

راهبردهای پژوهش در بردارنده عواملی همچون، توجه به توزیع مناسب پرونده ها بین کارشناسان و نظارت بر عملکرد آنان و تسریع در دریافت استعلامات قضایی با استفاده از ساز و کارهای ارتباطی (حوزه قضائی)، افزایش کارایی آموزش کارشناسان و استفاده از فناوری های نوین (حوزه کارشناسی)، استفاده از سازو کارهای یکپارچه سازی نظرات کارشناسان (بازبینی قوانین)، دارای میانگین $۴/۰۲$ ، انحراف معیار $۰/۷۲$ ، واریانس $۰/۵۲$ ، کمترین و بیشترین به ترتیب ۱ و ۵ است.

عوامل علی پژوهش در بردارنده عوامل محدود کننده ای همچون، محدودیت دسترسی به اسناد و مدارک، محافظه کاری کارشناسان، بی دقتی یا کم دقتی کارشناسان، نحوه و فرآیند

انتخاب کارشناس توسط مراجع قضایی، ساختار غیر منعطف دستگاه قضائی، ارجحیت نظر قاضی بر نظر کارشناسان، و کاربرد تکنولوژی دارای میانگین ۳/۹۷، انحراف معیار ۰/۷۳، واریانس ۰/۵۴، کمترین و بیشترین به ترتیب ۱/۱۷ و ۵ است.

آزمون نرمال بودن متغیرها

جدول شماره ۶: آزمون نرمال بودن متغیرها

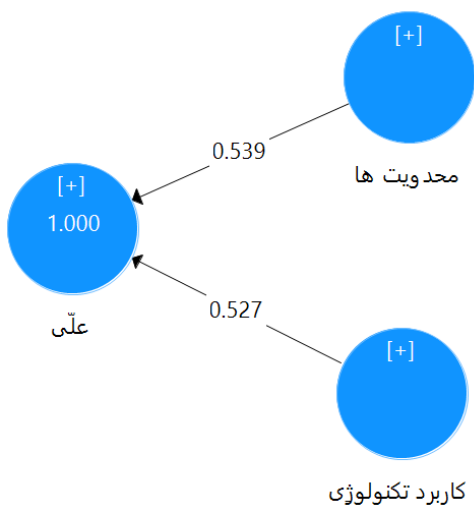
آزمون شاپیرو			آزمون کولموگروف - اسمیرنوف			
سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون	
۰/۰۰	۳۱۸	۰/۹۴	۰/۰۰	۳۱۸	۰/۱۰	پیامدها
۰/۰۰	۳۱۸	۰/۹۸	۰/۰۰	۳۱۸	۰/۰۹	پدیده
۰/۰۰	۳۱۸	۰/۹۹	۰/۰۰	۳۱۸	۰/۰۷	مداخله گر
۰/۰۰	۳۱۸	۰/۹۸	۰/۰۰	۳۱۸	۰/۱۱	زمینه ای
۰/۰۰	۳۱۸	۰/۹۴	۰/۰۰	۳۱۸	۰/۱۰	راهبردها
۰/۰۰	۳۱۸	۰/۹۴	۰/۰۰	۳۱۸	۰/۱۱	عوامل علی

نظر به اینکه سطح معنی داری متغیرها کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین از توزیع نرمال برخوردار نیستند.

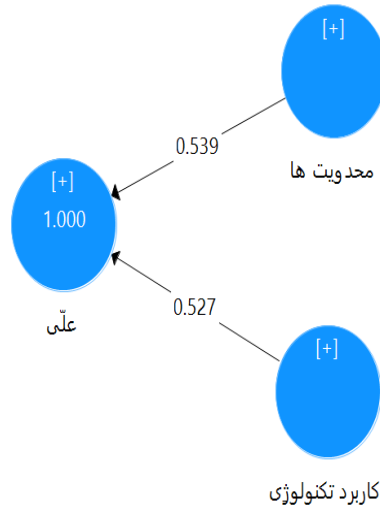
تحلیل عاملی تأییدی

تحلیل عاملی تأییدی بعد عوامل علی

در ادامه ضمن استفاده از نرم افزار PLS، مدل سازی معادلات ساختاری مربوط به بعد شرایط علی ارائه شده و تحلیل عاملی تأییدی که همان مدل اندازه گیری است، مورد اجرا قرار گرفته است و سپس با اصلاح مدل اندازه گیری به تعیین مدل ساختاری پرداخته شده است. مطابق با نمودار شماره ۴-۱ و ۴-۲ مدل اندازه گیری متغیرهای شرایط علی مورد تفسیر قرار گرفته است:



شکل ۲-۴



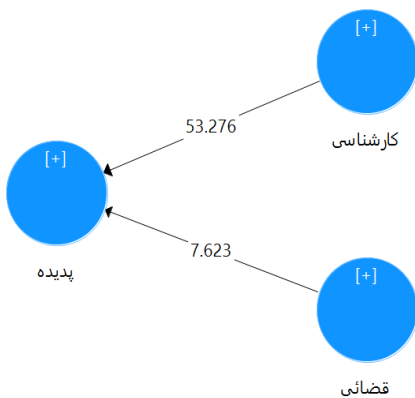
شکل ۱-۴

شکل شماره ۲- : تحلیل عاملی تاییدی بعد عوامل علی در حالت معناداری

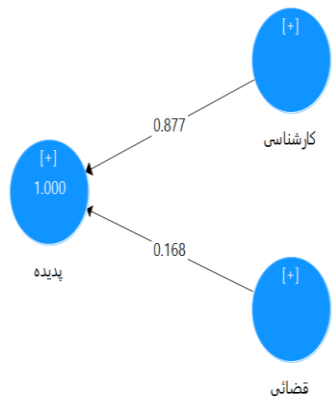
شکل شماره ۱- : تحلیل عاملی تاییدی بعد عوامل علی در حالت استاندارد

با توجه به شکل فوق الذکر در حالت معناداری می توان دریافت که تحلیل عاملی تاییدی دو بعد شناسایی شده برای عوامل علی از ۱/۹۶ بیشتر بوده و از این لحاظ مورد تایید قرار گرفته و نوع تاثیر این ابعاد بر عوامل علی نیز در قالب حالت استاندارد گزارش می گردد.

تحلیل عاملی تاییدی پدیده پژوهشی



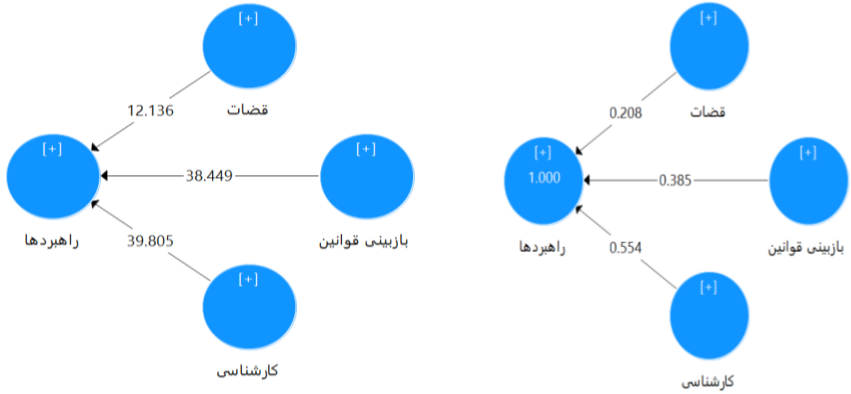
شکل شماره ۴- : مدل پدیده پژوهش در حالت معناداری



شکل شماره ۳- : مدل پدیده پژوهش در حالت استاندارد

با توجه به شکل فوق الذکر در حالت معناداری می‌توان دریافت که تحلیل عاملی تأییدی دو بعد شناسایی شده برای پدیده پژوهش از ۱/۹۶ بیشتر بوده و از این لحاظ مورد تایید قرار گرفته و نوع تاثیر این ابعاد بر پدیده پژوهش نیز در قالب حالت استاندارد گزارش می‌گردد.

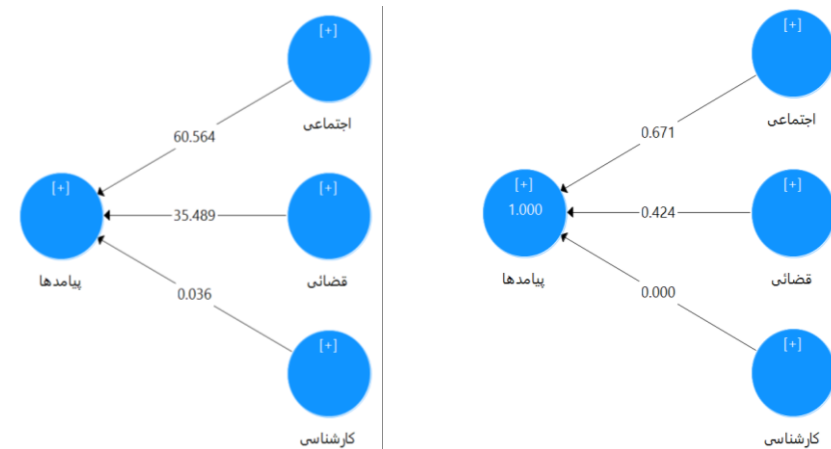
تحلیل عاملی تأییدی راهبردها



شکل شماره ۵: مدل راهبردها در حالت استاندارد / شکل شماره ۶: مدل راهبردها در حالت معناداری

با توجه به شکل فوق الذکر در حالت معناداری می‌توان دریافت که تحلیل عاملی تأییدی سه بعد شناسایی شده برای راهبردها از ۱/۹۶ بیشتر بوده و از این لحاظ مورد تایید قرار گرفته و نوع تاثیر این ابعاد بر راهبردها نیز در قالب حالت استاندارد گزارش می‌گردد.

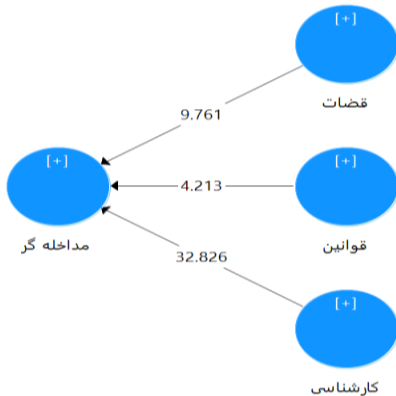
تحلیل عاملی تأییدی پیامدها



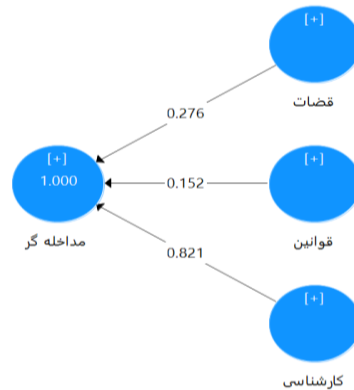
شکل شماره ۷: مدل پیامدها در حالت استاندارد / شکل شماره ۸: مدل پیامدها در حالت معناداری

با توجه به شکل فوق الذکر در حالت معناداری می توان دریافت که تحلیل عاملی تأییدی سه بعد شناسایی شده برای پیامدها (غیر از بعد کارشناسی) از ۱/۹۶ بیشتر بوده و از این لحاظ مورد تایید قرار گرفته و نوع تاثیر این ابعاد بر پیامدها نیز در قالب حالت استاندارد گزارش می گردد.

تحلیل عاملی تأییدی عوامل مداخله گر



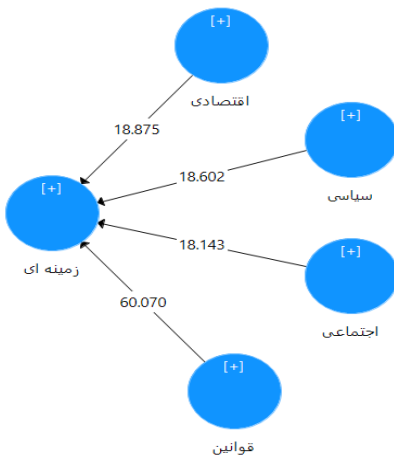
شکل شماره ۱۰- مدل عوامل مداخله گر در حالت معناداری



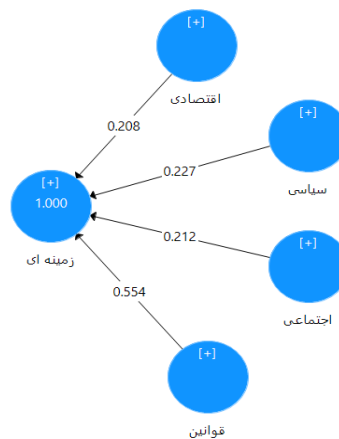
شکل شماره ۹- مدل عوامل مداخله گر در حالت استاندارد

با توجه به شکل فوق الذکر در حالت معناداری می توان دریافت که تحلیل عاملی تأییدی سه بعد شناسایی شده برای عوامل مداخله گر از ۱/۹۶ بیشتر بوده و از این لحاظ مورد تایید قرار گرفته و نوع تاثیر این ابعاد بر عوامل مداخله گر نیز در قالب حالت استاندارد گزارش می گردد.

تحلیل عاملی تأییدی عوامل زمینه ای



شکل شماره ۱۲- مدل عوامل زمینه ای در حالت معناداری

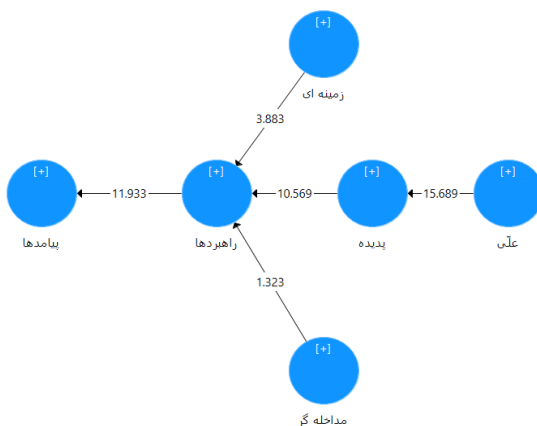


شکل شماره ۱۱- مدل عوامل زمینه ای در حالت استاندارد

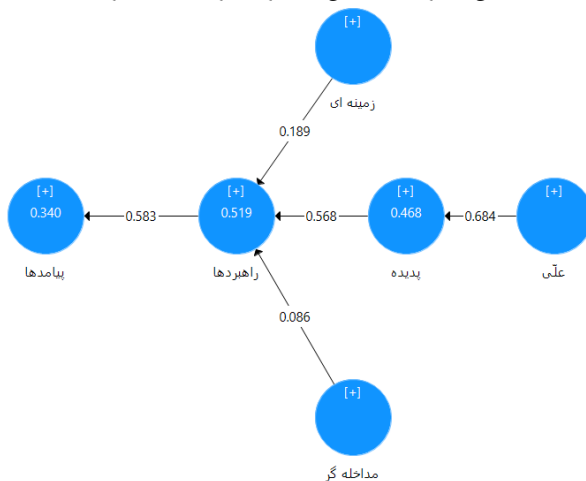
با توجه به شکل فوق الذکر در حالت معناداری می‌توان دریافت که تحلیل عاملی تأییدی چهار بعد شناسایی شده برای عوامل زمینه‌ای از ۱/۹۶ بیشتر بوده و از این لحاظ مورد تایید قرار گرفته و نوع تاثیر این ابعاد بر عوامل زمینه‌ای نیز در قالب حالت استاندارد گزارش می‌گردد.

تحلیل مدل ساختاری (آزمون مدل اصلی پژوهش)

در ادامه به ارزیابی مدل ساختاری پژوهش بر اساس روش مدلسازی معادلات ساختاری پرداخته خواهد شد.



شکل شماره ۱۳: مدل ساختاری در حالت معناداری



شکل شماره ۱۴: مدل ساختاری در حالت استاندارد

با توجه به نمودارهای فوق الذکر در حالت معناداری می‌توان دریافت که آماره آزمون مدل ساختاری در حالت غیر از فرضیه تاثیر عوامل مداخله‌گر بر راهبردها، بیشتر از ۱/۹۶ بوده و بر

این اساس می‌توان دریافت که فرضیه های اقتباس شده از مدل مرحله کیفی بر اساس داده‌های بدست آمده از مرحله کمی نیز مورد تایید قرار گرفته است.

– عوامل علی که منجر به کاهش کیفیت و اثر بخشی در رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی می شوند.

با توجه به ضریب معناداری در تاثیر عوامل علی بر پدیده پژوهش (دربر دارنده عواملی همچون توزیع نامناسب پرونده ها بین کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی، کم توجهی به کاربرد فن اوری های نوین، ناکارآمدی آموزش کارشناسان، عدم نظارت بر کارشناسان، تعدد استعلامات قضائی و تنوع مراجع طرف استعلام و گستردگی و پیچیدگی موضوعات کارشناسی و همچنین تمایز میان نظرات کارشناسان در یک پرونده) برابر با ۱۵/۶۸۹ است و بیشتر از ۱/۹۶ بوده و بر این اساس می‌توان دریافت که فرضیه فوق مورد تایید قرار گرفته و شدت تاثیر عوامل علی (عوامل محدود کننده ای همچون، محدودیت دسترسی به اسناد و مدارک، محافظه کاری کارشناسان، بی دقتی یا کم دقتی کارشناسان، نحوه و فرآیند انتخاب کارشناس توسط مراجع قضایی، ساختار غیر منعطف دستگاه قضائی، ارجحیت نظر قضایی بر نظر کارشناسان و کاربرد تکنولوژی) بر پدیده پژوهش (شامل شاخص های مربوط به دو حوزه قضایی و کارشناسی و در بر دارنده عواملی همچون توزیع نامناسب پرونده ها بین کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی، کم توجهی به کاربرد فن اوری های نوین، ناکارآمدی آموزش کارشناسان، عدم نظارت بر کارشناسان، تعدد استعلامات قضائی و تنوع مراجع طرف استعلام و گستردگی و پیچیدگی موضوعات کارشناسی و همچنین تمایز میان نظرات کارشناسان در یک پرونده) برابر با ۰/۶۸۴ است.

– راهبردهایی که از کاهش کیفیت و اثر بخشی در رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی تاثیر می پذیرد.

با توجه به ضریب معناداری در تاثیر پدیده پژوهش بر راهبردها برابر با ۱۰/۵۶۹ است که بیشتر از ۱/۹۶ بوده و بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه فوق مورد تایید قرار گرفته و شدت تاثیر پدیده پژوهش بر راهبردها (عواملی همچون، توجه به توزیع مناسب پرونده ها بین کارشناسان و نظارت بر عملکرد آنان و تسریع در دریافت استعلامات قضایی با استفاده از ساز و کارهای ارتباطی (حوزه قضائی)، افزایش کارایی آموزش کارشناسان و استفاده از فناوری های نوین، استفاده از ساز و کارهای یکپارچه سازی نظرات کارشناسان) برابر با ۰/۵۶۸ است.

– پیامدهایی که از راهبردهای کاهش کیفیت و اثر بخشی در رسیدگی های کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی تاثیر می پذیرد.

با توجه به ضریب معناداری در تاثیر عوامل راهبردها بر پیامدهای پژوهش (در بردارنده عواملی

همچون کاهش زمان دادرسی، افزایش رضایت کارشناسان، (پیامدهای قضایی) استحکام بنیان و جایگاه کارشناسان از طریق تسریع در رسیدگیها (حوزه کارشناسان) و افزایش اعتماد سیستم قضایی و اعتماد عمومی نسبت به عملکرد کارشناسان و افزایش امنیت اجتماعی) برابر با ۱۱/۹۳۳ است و که بیشتر از ۱/۹۶ بوده و بر این اساس می‌توان دریافت می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه فوق مورد تایید قرار گرفته و شدت تاثیر بعد راهبردها بر پیامدها برابر با ۰/۵۸۳ است.

- شرایط زمینه ای که بر راهبردهای کاهش کیفیت و اثر بخشی در رسیدگی های

کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی تاثیر می گذارند.

با توجه به ضریب معناداری در تاثیر شرایط زمینه ای بر راهبردها برابر با ۳/۸۸۳ است که بیشتر از ۱/۹۶ بوده و بر این اساس می‌توان دریافت می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه فوق مورد تایید قرار گرفته و شدت تاثیر عوامل زمینه ای(شامل عدم انعطاف پذیری قوانین، تعدد و ضعف قوانین در یک حوزه خاص، تعارض بین برخی از مواد قانونی(عوامل مرتبط با قوانین)، وابستگی سیاسی طرفین دعوی(عوامل سیاسی)، تغییرات مستمر در شرایط اقتصادی (تورم و تحریم)، بیماری های فراگیر(عوامل اجتماعی)) بر راهبردها برابر با ۰/۱۸۹ است.

- عوامل مداخله گر که بر راهبردهای کاهش کیفیت و اثر بخشی در رسیدگی های

کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی تاثیر می گذارند.

با توجه به ضریب معناداری در تاثیر عوامل مداخله گر (در بردارنده عوامل مرتبط با قوانین و عوامل مربوط به کارشناسان بوده و شامل عواملی همچون، تمایز و تبعیض در رتبه بندی کارشناسان، عدم تفکیک شفاف وظایف و عدم حمایت‌های قانونی از کارشناسان توسط مراجع ذیربط (حوزه قوانین و آئین نامه ها)، فقدان تعامل بین اعضای هیات های چند نفره کارشناسی، عدم دسترسی به تمامی مدارک جهت انجام رسیدگیها و عدم تناسب حق الزحمه های تعیین شده در محاکم قضائی با محتوای پرونده ها، زمان رسیدگیها و میزان مسئولیت آنان(حوزه کارشناسی) بر راهبردها برابر با ۱/۳۲۳ است که کمتر از ۱/۹۶ بوده و بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه فوق مورد تایید قرار نگرفته است.

نتیجه گیری

نتایج حاصل از ساخت مدل در مرحله کیفی مهمترین عوامل علی شناخته شده در اولین مرحله از طراحی مدل را ۶ عامل محدودیت دسترسی به اسناد و مدارک، محافظه کاری کارشناسان، بی دقتی یا کم دقتی کارشناسان ناشی از ضعف مهارتی، فرآیند انتخاب کارشناس توسط مراجع قضایی، ساختار دستگاه قضائی غیر منعطف و ارجحیت نظر قاضی بر نظر کارشناسان معرفی می نماید که بر ۶ مورد از عناصر اصلی پدیده مورد نظر شامل توزیع نامناسب پرونده ها بین کارشناسان رسمی دادگستری، کم توجهی به کاربرد فن آوری های نوین، ناکارآمدی آموزش کارشناسان، عدم نظارت بر کارشناسان، تعدد استعلامات قضائی و تنوع مراجع طرف استعلام، تمایز میان نظرات کارشناسان در یک پرونده بیشترین تاثیر را دارد. مفاهیم و مقولات ۷ گانه شامل عدم انعطاف پذیری قوانین، عدم تناسب بین محتوا و حجم پرونده های قضایی با حق الزحمه کارشناسان، تعارض بین برخی از مواد قانونی، تعدد و ضعف قوانین (قوانین)، وابستگی سیاسی طرفین دعوی (عوامل سیاسی)، تغییرات مستمر در شرایط اقتصادی همچون تورم و تحریم (عوامل اقتصادی)، بیماری های فراگیر (عوامل اجتماعی) مهمترین عناصر زمینه ساز موثر بر راهبردهای را به خود اختصاص داده اند. ۶ عامل شامل عدم حمایت از کارشناسان توسط مراجع ذیربط، تمایز و تبعیض در انتخاب عادلانه کارشناسان، عدم شفافیت خواست قضایی، آموزش مستمر و هماهنگ کارشناسان بر پایه فن آوری های نوین، دسترسی آنلاین کارشناسان به اوراق پرونده، عدم تناسب بین حق الزحمه های تعیین شده در محاکم قضائی با محتوای پرونده ها، زمان رسیدگیها و میزان مسئولیت کارشناسان نیز مهمترین عوامل مداخله گر موثر بر ۵ گروه از اساسی ترین عوامل راهبردی، شامل تعامل بین دستگاه های اجرایی و سیستم قضایی، توزیع مناسب پرونده ها بین کارشناسان و رتبه بندی مناسب و استفاده از سازو کارهای یکپارچه سازی نظرات کارشناسان، تسریع در دریافت استعلامات قضایی با استفاده از ساز و کارهای ارتباطی و دسترسی بر خط به اوراق را به خود اختصاص داده اند. ۸ دسته از پیامدها شامل، " تقویت جایگاه کارشناسان، جلوگیری از اطاله دادرسی، رضایت شغلی کارشناسان، افزایش رضایت نظام قضایی، بهبود رسیدگی ها، استحکام ساختار نظام قضایی، جلب اعتماد نسبت به سیستم قضایی، امنیت اجتماعی " نیز مهمترین پیامدهای حاصل از راهبردهای ذکر شده بشمار می رود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ۱ تا ۵ تدوین شده در بخش کمی پژوهش نیز نشان داده است که کلیه فرضیه ها به استثناء فرضیه ۲ پژوهش مبنی بر اینکه " شرایط مداخله گر بر راهبردهای ناشی از کاهش کیفیت و اثربخشی رسیدگیهای انجام شده توسط کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی

اثرگذار است" با عدم رد مواجه شده است. نتایج حاصل از این پژوهش به مراجع قانون گذار، سازمان های متصدی توسعه فن آوریهای نوین، مراجع قضایی و نظارتی و قضات در جهت تدوین خط مشی های مناسب به منظور دستیابی به اهداف سند تحول قضایی و همچنین کارشناسان، سازمانهای دولتی و غیر دولتی و سایر گروه های ذینفع در جهت اتخاذ تصمیمات لازم و بهره مندی از نظام قضایی توسعه یافته کمک می نماید.

یافته های بدست آمده از مطالعات الشهرانی^۱ پیرامون رفتار های غیر اخلاقی طرفین و همچنین بررسی های کریستینا^۲ با موضوع اهمیت رعایت استانداردهای کارشناسی و اثرات منفی پر هزینه بودن فرایند رسیدگیها و نقش کم اهمیت تر نژاد، قومیت و سن کارشناسان و در نهایت فقدان رضایتمندی محاکم قضایی در تبیین میزان اثربخشی رسیدگیها، موید نتایج حاصل از مطالعه حاضر می باشد. نتایج حاصل شده از پژوهش برنان^۳ پیرامون نقش حق الزحمه با تکالیف قانونی حسابرسان و کریستینا، پیرامون نقش دسترسی ضعیف به اطلاعات و ضرورت پیاده سازی نظامی جامع برای رسیدگیهای کارشناسی و همچنین یافته های بدست آمده از مطالعات آوولاوو^۴ پیرامون آموزش حسابداران در زمینه کسب مهارت‌ها، اخلاق، اصول و رویه‌های حسابداری قضائی و اهمیت ارائه مدلی تحت عنوان «نظام حسابداری قضائی»، متشکل از سه عنصر اصلی چالش های حسابرسی، آموزش و استانداردها و مقررات حسابداری نیز با یافته های پژوهش حاضر انطباق دارنداز آنجا که نظریه داده بنیاد، نه برای آزمون فرضیه، بلکه روشی برای تدوین فرضیه و تبیین چارچوب نظری بکار می رود و تصویر نهایی حاصل از آن در قالب تئوری ساخته شده، علاوه بر پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، خود می تواند منشأ طرح پرسش‌های جدید باشند لذا پیشنهاد می شود پژوهشگران در مطالعات آتی خود به شناسایی انواع و علل اختلافات در زمینه های حسابداری و حسابرسی و شناسایی موانع موثر بر کارائی و اثربخشی رسیدگیهای حرفه ای به تفکیک هر یک از انواع اختلافات بر حسب نوع، ماهیت و موضوع پرونده ها (خیانت در امانت، تحصیل مال از طریق نامشروع، فروش مال غیر، کلاهبرداری، ورشکستگی، مطالبه وجه، اجاره بها، تسهیلات بانکی، مطالبه وجه چک، ربا)، پرداخته و شیوه های مناسب حل هر یک از آنها مورد کنکاش و بررسی قرار دهند. با توجه به نتایج حاصل از بررسی و تحلیل شرایط پنجگانه ذکر شده در مدل نهایی و با هدف افزایش امنیت اجتماعی، کاهش وقوع جرم، کاهش مراجعات قضایی، جلوگیری از اطاله دادرسی، افزایش

1. Alshahrani
2. Christina
3. Brennan
4. Awolowo

رضایت عمومی پیشنهادهای زیر ارائه می شود.

- توسعه نظامهای نوین فن آوری به منظور رفع محدودیت دسترسی به اسناد و مدارک.
- برخورداری از دقت لازم ضمن در نظر گرفتن جزئیات و اطلاعات کامل مربوط به محتوای پرونده از طریق متناسب سازی زمان رسیدگیها.
- تعامل برخط بین دستگاه های اجرایی و سیستم قضایی .
- آموزش مستمر و هماهنگ کارشناسان بر پایه فن آوری های نوین.
- رفع تعارض بین برخی از مواد قانونی و جامعیت قوانین توسط مراجع ذیربط.
- جلوگیری از بروز تفاوت فاحش در گزارش های کارشناسی و ملزم نمودن کارشناسان به قوانین و آیین نامه های ذیربط، و دستورالعملهای امره.
- تدوین چارچوب یکسان و الگو و اصول مدون برای گزارش نویسی .
- جلوگیری از نوسانات شاخص های کلان اقتصادی جهت کاهش تاثیرپذیری محتوای پرونده های قضایی از نوسانات مستمر.
- ایجاد سازوکار نظارت بر عملکرد کارشناسان .
- باز مهندسی در فرآیند انتخاب کارشناس به منظور استفاده از نیروهای بالقوه.
- طبقه بندی مناسب پرونده ها با توجه به ماهیت پرونده و سطح صلاحیت کارشناسان.
- اعمال مدیریت بر استقلال نظر کارشناس،
- مدیریت رابطه معکوس تعداد کار با کیفیت گزارش،
- اضافه کردن اطلاعات توصیفی و توضیحی در قرار کارشناسی به منظور شفافیت خواست قضات.
- بازنگری در حقوق قضات.
- افزایش سطح انعطاف پذیری ساختار دستگاه قضائی .

فهرست منابع

۱. امینیان، ع. و تحریری، ع. (۱۳۹۱). ارائه مدل ساختاری تفسیری عوامل موثر بر کیفیت حسابداری قانونی در ایران. مجله بین‌المللی مالی و حسابداری مدیریتی.
۲. بحیرایی، افسانه؛ مریم، رهنما؛ (۱۳۹۶)، بررسی انواع فنون حسابداری دادگاهی، اولین همایش سراسری مشترک کارشناسی حسابداری و حسابرسی دانشگاه اصفهان و کانون کارشناسان رسمی دادگستری اصفهان.
۳. توحیدی، احمدرضا؛ قادری، سیدتاج‌الدین؛ (۱۳۹۳)، علل اطاله دادرسی در نظام مالیاتی ایران و راهبردهای کنترلی آن، همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران.
۴. دری سده، مصطفی؛ (۱۳۹۶) راهکارهای کاهش فساد در اقتصاد دولتی، با تاکید بر تجارب موفق سایر کشورها، اولین همایش سراسری مشترک کارشناسی حسابداری و حسابرسی دانشگاه اصفهان و کانون کارشناسان رسمی دادگستری اصفهان.
۵. فتاحی، شهین؛ (۱۳۹۶)، نقش کارشناسان رسمی دادگستری در اجرای عدالت قضایی، اولین همایش سراسری مشترک کارشناسی حسابداری و حسابرسی دانشگاه اصفهان و کانون کارشناسان رسمی دادگستری اصفهان.
۶. صحت، صفیه؛ (۱۳۹۶)، حاکمیت شرکتی و نقش مهارتی حسابدار دادگاهی، اولین همایش سراسری مشترک کارشناسی حسابداری و حسابرسی دانشگاه اصفهان و کانون کارشناسان رسمی دادگستری اصفهان.
۷. فهیمی، امیرعلی؛ رنجی، جمیله؛ (۱۳۹۵)، بررسی ارتباط حسابداری دادگاهی با کشف اشتباه، تقلب و فساد مالی در ایران، اولین همایش ملی رویکردهای نوین در حسابداری و مدیریت.
۸. فخاری، حسین؛ وحید، اسکو؛ (۱۳۹۷)، تقلب در صورتهای مالی: نیاز به تغییر الگو به سمت حسابداری دادگاهی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۶، ۲۶، صفحه ۴۵ تا ۶۰.
۹. توحیدی، احمدرضا؛ قادری، سیدتاج‌الدین؛ (۱۳۹۳)، علل اطاله دادرسی در نظام مالیاتی ایران و راهبردهای کنترلی آن، همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران.
۱۰. دیانتی دیلمی، زهرا؛ سلطانی، اصغر؛ عمرانی، حامد؛ (۱۳۹۷)، تدوین برنامه درسی کارشناسی ارشد رشته حسابداری قضایی (دادگاهی) و ضد تقلب، فصلنامه علمی حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۳، شماره ۵، صفحه ۴۱-۱۰۰.
۱۱. رضازاده، آ. و داوری، ع. (۱۳۹۳). مدل‌سازی معادلات ساختاری. انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

۱۲. رحمانی، حلیمه؛ دری، حسین رجب؛ روستا میمندی، اعظم؛ (۱۳۹۷)، بررسی لزوم توجه بیشتر به حسابداری قانونی، نشریه پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، فروردین، صفحه ۷۳-۸۸.

۱۳. سرخوش، ج؛ صفنازاد، (۱۳۹۷). بررسی جایگاه کارشناس در دادگستری کیفری. کنفرانس بین المللی حقوق و فقه اسلامی .

۱۴. شریفی، سمیه؛ واعظ، سید علی؛ بصیرت، مهدی؛ (۱۴۰۰)، توسعه پارادایم حسابداری قضایی در نوسان‌پذیری سطح حفاظت از منافع سهامداران در بین شرکت‌ها: تحلیلی مبتنی بر آزمون نظریه تردنایک، نشریه علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دوره ۱۴، شماره ۴۸، خرداد، صفحه ۶۹-۸۶

۱۵. شهیازی نیا، م؛ جوان، س؛ قماسی، م. (۱۳۹۶). دسترسی به دادگاه و فناوری اطلاعات و ارتباطات. فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی. دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.

۱۶. غیاثوند، ا. (۱۳۹۷). تحلیل پیشرفته مدل یابی معادلات ساختاری. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.

۱۷. کردی، جلال؛ (۱۳۹۵)، بررسی عوامل موثر و مورد نیاز حسابرسی پرونده های قضایی از دیدگاه کارشناسان رسمی دادگستری در ایران، دومین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت در هزاره سوم.

۱۸. مشایخی، ب؛ آژنگ، ع. (۱۳۹۳). حسابداری و دادگستری پزشکی قانونی .

۱۹. منصوری، فردین؛ وادی زاده، کاظم؛ (۱۳۹۶)، کارشناسان رسمی چگونه تعیین می کنند؟ تاملی بر روش شناسی در کارشناسی حسابداری و حسابرسی با تاکید بر روش شناسی تطبیقی، اولین همایش سراسری مشترک کارشناسی حسابداری و حسابرسی دانشگاه اصفهان و کانون کارشناسان رسمی دادگستری اصفهان.

۲۰. مهربان پور، محمدرضا؛ بخشنده، مینا؛ (۱۳۹۷)، توانایی اثربخشی کارشناسان رسمی دادگستری (حسابداری و حسابرسی) در تعدیل برنامه های حسابرسی در مقایسه با حسابرسان در صورت وجود خطر تقلب، کنفرانس ملی اندیشه های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری مطالعات حقوقی و اجتماعی.

۲۱. هاشمی باجگانی، س.ج؛ سبحانی، م. (۱۳۹۱). ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه. تمدن حقوقی .

۲۲. یادگاری، سعید؛ کیانی، سهیلا؛ (۱۳۹۶)، بررسی لزوم نظام مند شدن حرفه حسابداری، اولین همایش سراسری مشترک کارشناسی حسابداری و حسابرسی دانشگاه اصفهان و کانون کارشناسان رسمی دادگستری اصفهان.

23. Al-Rabiah. (2006, July 11). 45% of the litigation cases within the Shari'ah courts and the Board of Grievances were concerned with construction disputes Retrieved July 09, 2015, from http://www.aleqt.com/2006/07/11/article_47691.html.
24. Assaf, S. A.; & Al-Hejji, S. (2005). Causes of delay in large construction projects. International
25. journal of project management, 24(4), 349-357.
26. Awolowo, I. F.(2016). Financial Statement Fraud: The Need for a Paradigm Shift to Forensic Accounting International Journal of Economics and Management Engineering, World Academy of Science, Engineering and Technology . 10(3), 987-991.
27. Brennan, N. M. (2005). Accounting expertise in litigation and dispute resolution. Journal of Forensic Accounting, VI (2), 13-35.
28. De Meyst, K. J., Lowe, D. J., Peecher, M. E., Pickerd, J., & Reffett, A. (2021). Factors affecting the outcomes of legal claims against auditors. Current Issues in Auditing, 15(2), P10-P16.
29. Faris, J. A. (۱۹۹۵). An analysis of the theory and principles of alternative dispute resolution (Doctoral dissertation, University of South Africa).
30. Fenn, P. (2007). Predicting construction disputes: an aetiological approach. Proceedings of the Institution of Civil Engineers-Management, Procurement and Law, 160(2), 69-73.
31. Mante, J. (2014). Resolution of Construction Disputes Arising from Major Infrastructure Projects in Developing Countries–Case Study of Ghana.
32. Naziru., S., Zaleha., O. (2016). Forensic Accounting Investigation for Fighting Public Sector Corruption in Nigeria: A Conceptual Paper. Qualitative Research Conference (QRC) 2016.
33. Jannadia, M. O., Assaf, S., Bubshait, A. A., & Naji, A. (2000). Contractual methods for dispute avoidance and resolution (DAR). International Journal of Project Management, 18(1), 41-49.
34. Sexton, M. (2003, April). A supple approach to exposing and challenging assumptions and path dependencies in research. In 3rd International Postgraduate Research Conference